

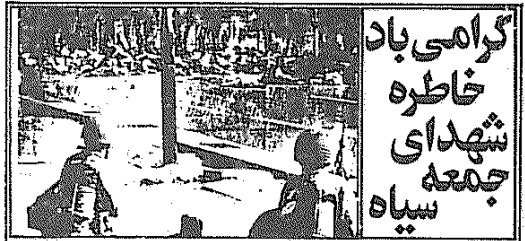
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۱۶ صفحه

پیکار

۷۱

۱۷ شهریور:
نقطه عطفی در
انقلاب دموکراتیک
و ضد امپریالیستی
خلفهای ایران
صفحه ۱۶

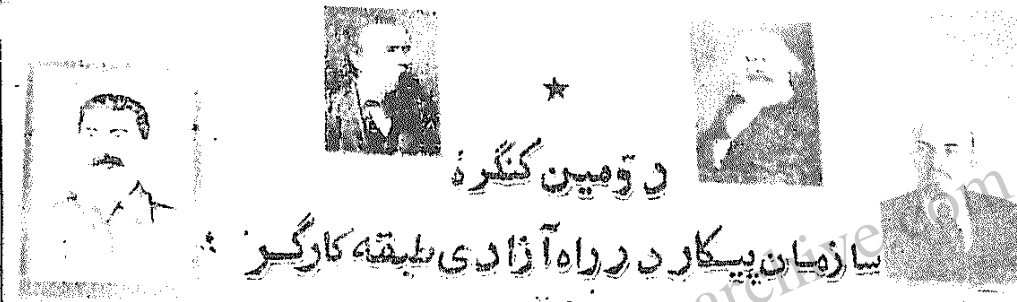


گرامی باد
خاطره
شهدای
جمعه
سیاه

ارتش دست پرورده امپریالیسم آمریکا، دیروز
در میدان شهدا خون خلق ما را بر زمین ریخت
و امروز در کردستان و ...
سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

سال دوم - دوشنبه ۱۷ شهریور ۱۳۵۹ بهای ۲۰۰ ریال

دومین کنگره سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر که با دستاورد های بزرگی همراه بود، با موفقیت برگزار گردید



دومین کنگره

سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

دومین کنگره عادی سازمانی که از مدتی قبل کار خود را شروع کرده بود هفته پیش با موفقیت به کار خود پایان داد. در این کنگره اساسی ترین مسائل ایدئولوژیک - سیاسی - تکنیکالی بطور مسوط و مشروخی مورد بررسی و بحث قرار گرفت و بی نظمی مبارزه ایدئولوژیک لازم در باره آنها تصمیم گیری و قطعنامه صادر گردید. کنگره در پایان کار خود مرکزیت جدید سازمان را که عهده دار رهبری سازمان تا کنگره بعدی میباشد انتخاب نمود. مسائل که در کنگره مورد بحث و بررسی قرار گرفت و در باره آنها قطعنامه صادر گردید شرح برآست:

- ۱ - ارزیابی از وضعیت و بحران جنبش کمونیستی جهانی و جنبش کمونیستی ایران و انعکاس آن در سازمان.
- ۲ - ساخت جامعه ایران و مرحله انقلاب.
- ۳ - ارزیابی سیاسی ارتش کویسی و جنبش آذری.
- ۴ - مسئله وحدت جنبش کمونیستی ایران.
- ۵ - رویزونیسم و سوسال امپریالیسم شوروی.
- ۶ - امر تبلیغ و روح.
- ۷ - اساسنامه سازمانی.
- ۸ - درباره سازمانهای بوده ای م.ل.
- ۹ - شعارها و مبانی تاکتیکی.
- ۱۰ - جنبش کارگری و وظائف مادرشال آن و ...

امپریالیسم آمریکا
باز هم در فکر
کودتاست
صفحه ۲

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس
آن در نیروهای سیاسی ایران
• نگاهی به موضعگیری رونیونیستها و نیروهای کمونیست
در برخورد به حوادث اخیر لهستان
صفحه ۱۴

اخباری از کردستان،
سرزمین حماسه ها
صفحه ۵

کانون
شوراهای اسلامی
پلی تکنیک
وابشناسیم
صفحه ۳

دشمنان نسبت به
بک ترور نافرجام
در تبریز
صفحه ۴

در صفحات دیگر این شماره:
■ مناسجه با رفقا حسین و روحانی و تراب جنبش سیاسی پیرامون
شماره با آیت الله خمینی در نجف طی ایام ۳۹ تا ۵۳ (۲)
صفحه ۱۰
■ نگاهی به مساعزه تلوزیونی مسئولین وزارت کار با نمایندگان
گروهی از کارگران درباره لغو سود و بزه (۲)
صفحه ۱۳
■ ۳۰ میلیون تومان برای امل، برای فلسطین همج!
صفحه ۱۶
■ خاطرات بک سرباز (۲)
صفحه ۵

مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلفهای ایران

امپریالیسم آمریکا با زهم در فکر کودتاست

(چه از نظر نفوذ و منافع اقتصادی و چه از نظر موقعیت سیاسی استراتژیک آن) و نیز تا شریک و تعیین کننده ای که ایران در مناسبات امپریالیسم آمریکا و متحدان اروپایی و ژاپنی اش با سوسیال امپریالیسم شوروی میگذازد، کودتای شکست خورده تیرماه آخرین کودتای نبوده و نیروهای کمونیستی و انقلابی و تدامی زحمت - کشان و طبقه کارگر با بیستی آما دگی لازم را کسب کنند تا در برابر کودتای آتی امپریالیسم آمریکا در ایران (که احتمال آن وجود دارد) به مقابله برخیزند. مخصوصاً آنکه سرکوب فاشیستی زحمتکشان و نیروهای کمونیستی و انقلابی و در یک کلام سرکوب انقلاب هدف اصلی و اساسی امپریالیسم آمریکا از انجام کودتای - باشد. و اگر در این راه رژیم جمهوری اسلامی هم مورد شتاب جو واقع میشود، همانطور که فیلادلفی، بخاطر این است که رژیم میزبونی فاشیستی را از سرکوب جنبش اعتدالی فتنه خلق و با زسازی نظام استعمارگرانه سرمایه داری وابسته با آمریکا میباید. البته سرکونی رژیم جمهوری اسلامی ایران، از نظر آمریکا، الزاماً بمعنی جاگزینی آن با یک رژیم نظامی یا غیر نظامی آشکارا عامل آمریکا نیست، بلکه این رژیم می تواند نقش ظاهری "ملی" داشته باشد، اما آنچه که مسلم است این است که رژیم کنونی با ترکیب فعلی، مورد دلخواه امپریالیسم آمریکا نیست و آمریکا خواهان یک قدرت متمرکز بورژوازی در قدرت سیاسی است. در مقابل مسئله کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، عکس العمل های گوناگونی از جانب نیروهای مختلف بورژوازی ها کرد: (۱- بورژوازی (باستثنای بخشی از بورژوازی تجاری با زار) و نیز بخشی از خرده بورژوازی مرفه سنتی از کودتای جانبداری خواهند کرد. ۲- خرده - بورژوازی مرفه سنتی همراه با بخشی از بورژوازی تجاری با زار، از موضع دفاع از ارتجاع حاکم در ایران در مقابل کودتای امپریالیستی جبهه خواهد گرفت. ۳- طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان و در پیشانی آنها، سازمانهای سیاسی طرفدار آنها، از موضع دفاع از انقلاب و منافع خلق به مقابله با کودتای امپریالیستی اقدام خواهند نمود.

در رابطه با کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا در ایران، دیدگاهها و برخورد های نیروهای سیاسی موجود در جامعه، بطور عمده به سه نوع تقسیم می شود:

۱- دیدگاه اول یک نگرش کاملاً چپ روانه و انحرافی است که خطر کودتای امپریالیستی را نادیده میگرداند و تنها رژیم جمهوری اسلامی را بعنوان دشمن روبروی و با لفظ بیرونی را و زحمتکشان میبیند. این دیدگاه با تحریف واقعیت و با کتمان کردن نقش امپریالیسم و عوامل مستقیمش در ایران به

رژیم تشییع میشود و نظام سرمایه داری وابسته که دچار ضربات سنگینی در جریان قیام شده بود، سوسامان میباید و در عین حال خرده بورژوازی مرفه شریک در قدرت تضعیف میگردد و نتایج های خلق و نیروهای انقلابی و کمونیست سرکوب میشوند و جای امپریالیسم آمریکا نیز چون گذشته کاملاً مستحکم میگردد. اما رشد و اعتدالی جنبش خلق مانع از آن شد که محاسبات امپریالیسم آمریکا درست از آب برآید. آمریکا به وضوح نتوانی و عاجز رژیم در سرکوب نیروهای انقلابی و کمونیست و کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری و خلقها میدید و روز به روز بر هراس از قدرت گرفتن جنبش خلق بیشتر میشد و میباید. این امر مهمترین مسئله ای است که آمریکا در محاسباتش در نظر میگیرد، زیرا رشد نیروهای انقلابی و جنبش خلق و قدرت گیری آنها، بخاطر افتادن جدی منافع آمریکا و دیگر امپریالیست ها را نیز تولید میدهد. بویژه آنکه در این جنبش، طبقه کارگر از کیفیت و کمیت قابل توجه و تعیین کننده ای برخوردار می باشد. آمریکا، همچنین، با تضعیف امید خویش در هیئت حاکمه، یعنی "لیبرالها" نیز روبرو بود و در مقابل مشاهده میگردد که بورژوازی تجاری با زار و خرده - بورژوازی مرفه سنتی دائماً تقویت میشود. این روند یعنی روند رشد مناسبات تولید و نیروهای کمونیست و انقلابی، تضعیف رژیم بطور عام و "لیبرالها" بطور خاص، آمریکا را بر آن داشت که در محاسبات خود تجدید نظر کند. بدین ترتیب، امپریالیسم آمریکا ضمن حفظ سیاست عمومی خویش در قبال ایران، یعنی حمایت از رژیم در برابر خلق و پشتیبانی از "لیبرالها" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی، برای عوامل مستقیم خود نیز که اکنون بدلیل سیاستها و عملگردهای رژیم جمهوری اسلامی از پایه نسبتاً وسیعی و در قیاس با زمان قیام (برخوردار شده بودند، حساب تا زهای باز کرد و بدینسان، امیرکودتا را نیز در محاسبات خود با ایران وارد نمود. با گذشت زمان و رشد جنبش و مشاهده ضعف رژیم جمهوری اسلامی در سرکوب خلق و با زسازی نظام سرمایه داری وابسته، امپریالیسم آمریکا، مسئله کودتا را مورد توجه بیشتری قرار داد. چرا که بیرونی میدیدند که در این رژیم جمهوری اسلامی بیبوه است. این رژیم علیرغم خواستش نتوان از سرکوب سازمان یافته خلق و ترسیم نظام سرمایه داری وابسته میباید. "لیبرالها" ضعیف هستند و خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی تجاری با زار هم با وجود سببیت و بی زحمتی خاص خود در سرکوب خلق، که نمونه هایش را در مقابله با نیروهای انقلابی و کمونیست، کارگران و زحمتکشان و بویژه خلقها و خصوصاً خلق کرده دیده ایم، قادر به یاری چنین نقشی نیستند. با نتیجه گیری و جمع بندی از چنین مسائلی است که ما می بینیم امپریالیسم آمریکا کودتای اخیراً به توسط عوامل مستقیم خود در ایران بر تانسه ریزی میکنند تا نظم مورد دلخواه خویش را در ایران بر تانسه سازد، بدین لحاظ، و بلحاظ اهمیت حیاتی ایران برای امپریالیسم آمریکا و امپریالیست های غربی و ژاپنی

اکنون، قریب دو سال از قیام شکوهمند بهمن ماه ۵۷ و همین مدت از عمر حاکمیت رژیم جمهوری اسلامی میگذرد، با استحال هنوز این رژیم موفق نشده است از یک استقرار و ثبات قابل اتکا بهره مند شود. در حال حاضر، با توجه به رشد جنبش انقلابی در جامعه، روز به روز جبهه انقلاب، مشتمل بر کارگران، دهقانان و زحمتکشان شهری بسوی صف بندی مستقل خویش گام می برد. میدارند. جبهه انقلاب از یک موضع انقلابی مخالف جمهوری اسلامی و خواهان برقراری یک نظام نوین مبتنی بر دیکراسی بوده ای و قطع سلطه امپریالیستی و نابودی سرمایه داری وابسته است. البته هم اکنون، بخش مهمی از نیروهای انقلاب، بدلیل توهم و نا آگاهی کسان نسبت به ماهیت طبقاتی رژیم جمهوری اسلامی بدنیا آید و روند. ولی این دنباله روی زیاده طول نخواهد احاطه کرد. در مقابل جبهه انقلاب، جبهه ضد انقلاب قرار گرفته که بورژوازی و خرده بورژوازی مرفه سنتی در آن جای دارند. جبهه ضد انقلاب خود به دو بخش تقسیم میشود، بخش اول که حامی اروپا قریب رژیم جمهوری مکتبه گاه اصلی آن است، یعنی خرده بورژوازی مرفه سنتی و بورژوازی تجاری با زار و بخش دوم که از موضع ارتجاعی مخالف این رژیم است و خواهان استقرار رژیمی کاملاً پیش مشابیه با نظام شاه میباید اینها که همان بورژوازی وابسته ایران و لیبرالها میباشند. چشم میدارند را به امپریالیسم آمریکا دوخته اند تا بلکه بتوانند رژیم دلخواهشان را در ایران بر سر کار آورند. میدانیم که در بهمن ماه ۵۷ علیرغم کوشش های آمریکا و بورژوازی کمپرادور از یک طرف و بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از طرف دیگر، برای سازش و حفظ نظام سرمایه داری وابسته از ضربات خلق بدلیل قیام متوجه آنها این سازش نه در این سطح بلکه در مدار دیگری صورت گرفت، بدین معنی که پس از قیام، بورژوازی متوسط و خرده بورژوازی مرفه سنتی از موضع برتری نسبت به امپریالیسم قبل از قیام برخوردار شدند و در چنین حالتی با آمریکا و بورژوازی کمپرادور که از قیام مرفه دیده بودند به موازات سازش پیدا کردند. این میان، این بورژوازی متوسط بود که بهیچری خرده - بورژوازی مرفه سنتی را در این سازش و موازات با امپریالیسم پیوسته داشت. و این خرده بورژوازی مرفه سنتی بود که با طیب خاطر بدنیا آید بورژوازی متوسط حرکت میکرد، اما تا ثبات قیام مبرم وضع آمریکایی و بورژوازی کمپرادور و نیز بورژوازی متوسط خرده - بورژوازی مرفه سنتی مانع از آن نشده که امپریالیسم آمریکا مناسبات خود را با حکومت جدید ایران بر پایه زور و قهر قرار دهد. و در واقع با توجه به ماهیت رژیم حاکم لزومی بدین امر نمیدید. بنا بر این از همان قریب قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، آمریکا سعی خود را بر این قرار داد که در درون حکومت از بورژوازی "لیبرال" در مقابل خرده بورژوازی مرفه سنتی حمایت کند و در سطح جامعه از کل رژیم جمهوری اسلامی در مقابل نیروهای انقلابی و زحمتکشان دفاع نماید و این رژیم را در سرکوب آنها یاری دهد. به همین دلیل است که مدت کوتاهی پس از قیام مشاهده میکنیم که امپریالیسم آمریکا مقدار ۲/۵ میلیارد دلار را سلحه که قبلاً در زمان شاه برای آن پرداخت شده بود، تحویل دولت با زرگان میدهد. تحلیل آمریکا این بود که با چنین سیاستی "لیبرالها" تقویت میشوند،

زمانیکه کمونیستها مدنی مزدور را بیرحمانه افشا میکردند، حزب جمهوری اسلامی و لیبرالها و رویونیستها از او بیدریغ حمایت میکردند

جنبش کارگری



خبرهای کوتاه کارگری

کارخانه کف کار-

کارگران مبارز کف کار سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون انداختند.

بدنبال اخراج ۶ تن از کارگران مبارز کف کار رودستگری ۲ تن از آنها، اعلامیه‌ای از طرف انجمن اسلامی کارخانه منتشر و آن گفته می‌شود که کارگران کف کار ۶ نفر ضد انقلابی را از کارخانه بیرون کردند و از آن پس تولید را لا رفته است. با پخش این اعلامیه خشم کارگران کف کار را برافروخته شده و سه تن از اعضای انجمن اسلامی را از کارخانه بیرون می‌اندازند و اعلام می‌کنند که انجمن اسلامی نمی خواهد!

کارگاه دوزندگی قاف حام-

کارگران مبارز قاف حام، کارفرمای خود را گروگان گرفتند

بدنبال چندین ماه مبارزه کارگران دوزندگی قاف حام واقع در شمیران، نواقح کارفرمای زالو- صفت که متوجه شده بود، کارگران در خلال مبارزات خود بیش از پیش آگاه شده اند و پیچیده‌تر از خواستهای اولیه و برحق خود نمی‌گذرند و تصمیم می‌گیرند که کارگاه را ببندند و این سردیگر مواد اولیه (با رجه) نمی‌خرند و سگوشند تولیدات کارگاه را خارج نما میدهند و سپس آنرا تعطیل کنند کارگران که متوجه حیل کارفرما شده بودند در خلال چند ماه مبارزه شان از وزارت کار رنیز (جزا اخراج یکی از نمایندگان شان) چیزی عایدشان نشده بود، روز سه شنبه ۵۹/۵/۲۸ وقتی کارفرما برای بردن تولیدات کارگاه مراجعه می‌کنند بی‌اطلاع می‌کنند که تا زمانیکه تکلیف مواد اولیه روشن نشود حق تدارک را از کارگاه بیرون برود. کارفرما تا ساعت ۴/۵ آن روز تا گزیرد کارگاه می‌ماند و عمریکی از عواملش از بیرون به کلانتری خبر میدهد. بدنبال این تلفن مأموران کلانتری به کارگاه آمده و پس از پرخاش به کارگران کارفرما را با خود می‌برند. کارگران به عنوان اعتراض به کلانتری مراجعه می‌کنند، اما در آنجا با ردیگریلیس را پشت سر کارفرما و رودرو خود می‌بینند، آنها بی تصمیمی اما همه روزه کلانتری را ترک می‌کنند.

کارخانه سپید رود-

باردیگر کارگری زحمتکش قربانی منافع کثیف سرمایه - داران شد.

کارخانه سپیدرود - روز شنبه ۵۹/۵/۱۸ در شرکت سپیدرود کارگری بنا می‌برویز و بیسوله دستگا همگی بن خورده شده و وجود تلاش دوستانش برای نجات وی دستگا هجدله شده و او تحویل داد. علت این امر آن بود که قبلا تعدادی را ننده که روی کمیا بین کار کرده و مهارت داشتند، باید یک گرفته و خواهان امانت دستمزد می- شوند، کارفرما ابتدا با روزی ۴ تومان اضافه حقوقی موافقت می‌کند اما پس از یکماه آن را قطع می‌نماید و در مقابل اعتراض را نشندگان مذکور آنها را به سمت

پیغام در صفحه ۴

کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک را بشناسیم

برای سوار شدن بر موج جنبش و گرفتن امتیاز است. بنا بر این افشاکاری آنها تا حدی است که رهبری جریان از دستشان خارج نگردد.

چگونگی برخورد کردار نشندگان کانون در مقابل اعتراضات کارگران خود می‌تواند ما هیئت مدکار رگسری آنها را نشان دهد. کانون شورا های اسلامی در کمرده - هاشمی روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ در وزارت کار که منظور اعتراض به لغو سود ویژه تشکیل شده بود، توانست با استفاده از فشاری که اعتراضات و مبارزات کارگران بخاطر تصویب این قانون ضد کارگری به وزارت کار و رژیم وارد می‌کرد، امتیاز فرستادن ۴۰ نفر نماینده به کمیسیونهای مختلف تدوین قانون کار در وزارت کار را بگیرد. این کانون اعلام کرده است که ایسن ۲۰ نفر (۱۰ نفر از تهران و ۱۰ نفر از شهرستانها) نمایندگان کارگران را سرسرا بران هستند. بدیعی است که ایسن نمایندگان نمیشوند از آنجا که عمل کنند و باید ملنگوی کانون شوراهای اسلامی پلی تکنیک در وزارت کار را باشد. چندی پیش نمایندگان حدود ۵۰ کارخانه که در کانون شورا های کارگری شرق تهران در رابطه با لغو سود ویژه گرد آمده بودند، بدرستی معرفی ۴۰ نفر نماینده از طرف کانون شورا های پلی تکنیک را (که قرار است بعنوان نمایندگان کارگران سرسرا بران در تدوین قانون کار شرکت کنند) محکوم کرده و خواستار تشکیل مجمعی از نمایندگان واقعی کارگران ایران برای تدوین قانون کار شدند.

بکوشیم تشکیلات زرد کارگری را افشا و طرد کنیم. (م) - چند ساعت پس از این جلسه، بدعوت کانون شورا های اسلامی پلی تکنیک، یک گروهی تشکیل می - شود که وزیر کار هم در آن شرکت داشته است.

کارگران مبارز شهرداری مسجد سلیمان همچنان می‌رزمند

۱۲۰۰ کارگر شهرداری که بدستور مقامات مسئول جمهوری اسلامی به بیانه به مبتدل شدن پول چند هفته‌ای است متناوباً اخراج شده اند، دست بمقاومت زده و از دو هفته پیش در محل شهرداری به تحصن نشسته اند. تلاشهای مذبحانها رتجاج برای برهم زدن تحصن و شکستن مقاومت این کارگران مبارز بجائی نرسیده و مبارزه آنها برای برگشت به سرکار همچنان ادامه دارد.

کانون شورا های اسلامی (پلی تکنیک) یکی از تشکیلات زرد کارگری است که وابسته به جناح بنی صدر می باشد. این کانون درگیریهای زیادی با کانون هماهنگی شورا های اسلامی کارخانجات (خانه کارگر) که وابسته به حزب جمهوری اسلامی است دارد. هسردو کانون سعی میکنند با بدست گرفتن رهبری مبارزات کارگران، گذشته از به نحراف و سازش کشاندن آن، از آن در جهت خواستهای خود استفاده کنند. این است که افشای هر دو تشکیلات مدکارگری مذکور ضرورت مبرم دارد. در جلسه روز چهارشنبه ۵۹/۵/۱۵ کانون شورا های اسلامی (پلی تکنیک) که در کارخانه لیلانته موتور تشکیل شده بود، گردانندگان این کانون اعلام کردند: "صبح روز دوشنبه ۵۹/۵/۱۳ جلسه ای در وزارت کار با شرکت مدیران کارخانه های دولتی و خصوصی در حضور وزیر کار تشکیل شده بود که پس از بحثهای طولانی درمورد زیربنا توافق رسیدند: ۱- مرخصی سالانه کارگران نباید از ۲۱ روز بیشتر باشد. ۲- ساعت کار کارگران نباید از ۴۴ ساعت در هفته کمتر باشد. ۳- افزایش دستمزد کارگران به پیچیده نباید از مقدار تعیین شده توسط وزارت کار بیشتر باشد. ۴- بعد از زمانه رفغان رستورانها باید در کارخانه ها برچیده شود و دیگر ناهارها به کارگران داده نشود و ساعت کاریکسرها باشد. ۵- شورا های جدید براساس آئیننامه شوراها (مصوبه شورای انقلاب) تشکیل شود. ۶- تمام کارخانه ها موظفند ۵% پرسنل خود را از طریق وزارت کار استخدام نمایند.

۷- اینکه کانون شورا های اسلامی (پلی تکنیک) به اصطلاح وزارت کار را افشا میکند بخاطر این است که میخواهد در مقابل موج جنبش و جگر بندگی کارگران خود را پیشرو و مبارز جلوه دهد تا بیدستوانند بر آن سوار شود و از آن در جهت خواستهای خود استفاده نماید. جانب اینجاست که در همان جلسه، بدنبال اظهارات گردانندگان کانون دربارهمواردی که بین وزیر کار و مدیران کارخانه ها توافق شده است، کارگران به شدت اعتراض میکنند. در مقابل موج اعتراضات کارگران، گردانندگان کانون فریبکارانه اعلام می - کنند که: "فعلا معلوم نیست موارد بالا را وزارت کار قبول کرده باشد، شاید اینها پیشنهادات مدیران باشد." اما منظور که قبلا گفتیم افشاکاری سطحی اینها در اینجا و آنجا از موضعی انقلابی نیست. افشاکاری آنها

پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

خلق ها و مسئله ملی



با چشم باز در افق خونین کردستان

خاطرات يك سرباز (۲)

در شماره قبل پیکار رودر قسمت اول خاطرات یک سرباز از زبجه جنگ کردستان خواندید که از یک ستون شمدنفری که برای جنگ به کردستان اعزام شده بودند تنها دو یست نغری به دگان با رگشت هم - چنین خواندید که بسیاری از آنها که به کردستان اعزام می‌شوند تا در جنگ برادر کشی شرکت جویند ز همان ابتدا و با درآ ولین برخورد ها با خلق دلاور کرد به بیهودگی هدفی که بسوی آن برده می - شوند پی میبرند آنها درمی یابند که به جنگ با خلق قهرمانی اعزام شده اند که برای بدست آوردن خواستهای عادلانه و برحق خود، جان بیکف به مبارزه بر - خاسته است .

در این شماره قسمت دوم این خاطرات را ملاحظه میکنید .

در تدارک یورش به کردستان

چهارشنبه ۲۰ فروردین
پنج شنبه ۲۱ فروردین
جمعه ۲۲ فروردین

در این سه روز اتفاق خاصی روی نداد، جز آنکه روز چهارشنبه با یک جوان ستمدی که دیپلمه بود آشنا شدم. وقتی به او گفتم که برای جنگ به کردستان باید بروم، نگاهش را طور غریبی به من دوخت و پرسید: حالا چه می کنی؟ گفتم: تنها بیستم ترا یط چه پیش می آورد، بتلخی خندید و گفت: معلوم است که ترا یط چیست با بد از همین حالا فکر کردی... ناگهان حرفش را نیمه کاره گذاشت و در حالی که بنا چشمان بر فروروش به من میتگریست، با لحن ملتعب به یکباره پرسید: آتیه رگز یک پیشمرگ دیده ای؟... اسمش را صدا کردند و او بدون آنکه منتظر جواب من بشود از من دور شد. دیگران را ندیدم. اما فروروش چشمان و التهاب صدایش هنوز بسا من است .

روز جمعه برای گردش به باغهای اطراف شهر رفتیم. با دو باغبان اهل ستمد آشنا شدم که چهره های شاد و زنده ای

داشته اند. اول با احتیاط به من نزدیک شدند، گویا ترسی در وجودشان بود. اما زمانی که متوجه شدند که من حرفهای گلابه - آمیز آنان را تصدیق می کنم، سسر سخنان باز شد و با من درددل کردند. از اعمال فدمردمی دولت می گفتند. از گرانی و بیکاری و هزاران مشکل دیگر می نالیدند. بدستهای پرا زبینه، و شیاهای پر از زنج چهره شان میتگریستم و می اندیشید که چمتکشان در همه جا، دردها یشان یکی ست .

یکشنبه ۲۴ فروردین

امروز از آفتاب خبری نبود. ابرهای دلگیر آسمان را پوشانیده بودند. به شهر رفتم چیز مهمی به چشم نمی خورد. ساعت ۳ برای تماشای قبلی از چارلی جابلین به تالار شهر رفتم. در آنجا "واکسی ها" را دیدم. بچه های که پیش از ۱۲ سال نداشتند، با جعبه واکسی که با بند چرمی بر روی کتفشان آویزان است پرسه می - زنند و از این و آن تقاضا می کنند که در مقابل پول نا چیزی کتفشان را واکسی بزنند. همه آنها لبها سها ئی زنده بر تن دارند و سرور ویشان گرسنه است. تمام شهر پیرا ز این واکسی های کوچک و زنده یوش است. دیدنشان فقر و حشناک مردم را به خود در آوری به رخ می کشد .

دوشنبه ۲۵ فروردین

امروز صبح خبر حرکت به سوی بانه از طرف فرمانده گردان اعلام شد. اجازه

داده شد که از بانگان بیرون برویم . بانگان در جنب وجوش خاصی بسرمی برد. برای جنگ آماده میشدند. ما شین ها را به صف میکردند. کیسه های شن پر میکردند، ولی همه چیز تو خالی بود .

★★★

سه شنبه ۲۶ فروردین
امروز از صبح برای دیدن تیمسار (معدوم) خزایی (معاونت نیرو) آماده میشویم. در ساعت ۱۱ صبح با تمام تجهیزات به خط شدم و در میدان صبحگاه منتظر ایستادیم. فرمانده تیپ سخنانی را آغاز کرد. همه در سکوت کامل گوش میکردند و بنحوسخره ای متناقض حرف میزد. از طرفی اصرار داشت به ما تفهیم کند که به یک ماموریت عادی میرویم و از سوی دیگر میگفت که با بدحواسان جمع باشد که به یک منطقه جنگی میرویم... سخت اصرار داشت به ما تلقین کند که برای برقراری امنیت میرویم. لحنش هم مثل حرفهای پیش ساختگی بود و بسوی دروغ میداد .

بعد از فرمانده تیپ نوبت به معاونت نیرو رسید تا سخنانی کند. این شخصی سعی داشت ما را تهییج کند: شما فرزندان من (!) از بهترین سربازان انتخاب شده اید، برای ما موریته بزرگ (!) و به این ترتیب فرمانده تیپ را که اصرار داشت بگوید به ما موریته "عادی" می - رویم (پول بود!) که ارتش برای اولین بار در منطقه اجرا میکند. شما با ستون سی مرکب از ده ها کامیون، بطول ۱۶ کیلومتر حرکت میکنید .

(سخت ما یل بود با حرفهایش به ما احساس رزمی ببخشند!) . تکاوران و گردان - های کامیون پیدا ده و توپخانه همراه شما خواهد بود... در اینجا گوئی از خواب بریده با دشمنان در حرفش را پس گرفت: شما فقط برای تشویب یک لشکر که در پانته مستقر است میروید. نه برای چیز دیگر. (با این همه تجهیزات؟!) و با همان لحن ادامه داد: آنها همه برای درما هستند، اگر بیین آنها کسی هست که با ما دشمنی دارد و می - جنگد، عنصر خارجی است. و بدون آنکه متوجه باشم چگونه پشت سرم، خود حرفهای قبلی اش را نفی میکند. با بی - سرمی یک دروغگوی کم حافظه گفتم: اگر در شهر بچه ها (!) به شما سنگ پرتاب کردند خون سرد با شید! فقط حق جواب دادن به گلوله را دارید. بدینگونه او نفرت مردم را بر روشنی تصویر میکرد و پیکار فرا موش کرده بود که چند لحظه پیش می - گفت: تنها چند عنصر خارجی دشمن ما هستند. به لباسش نگاه کردم و بخاطر آوردم که اینها در زمان شاه و در ارتش آمریکا ئی وقتا حت و دروغوئی را خوب آموخته اند. بقیه در صف

مزدوران رژیم در کمین پیشمرگان دمکرات، کومله و پیکار و سقوط يك هلیکوپتر

کامباران ۵۹/۶/۱

ستونی (۱) که از تاریخ ۵۹/۵/۲۱ به منظور "با کسای" حرکت کرده بود، شب در نزدیکی روستای "ماویان" مستقر میشد و در تاریخ ۵۹/۶/۱ دوباره حرکت کرده و در ابتدای مسیر خود روستای "ماویان" "کوره دره"، "گلانه"، "تخته زنگی"، "میر - سورا" و "چورسانه" را وحشا ته زیر آتش خمپاره، توپ، راکت و گلوله میگردد. این ستون حتی قهوه خانه های سر راه را نیز در هم می کوبید .

ستون مذکور در نزدیکیهای ماویان و کوره دره با حمله پیشمرگان قهرمان کومله و دمکرات زیر ضربات سختی قرار میگيرد که در نتیجه آن یک تانک منهدم و ۲ نفر بیرویک ریوی ارتشی با آرپی جی منفجر میگردد. همچنین تعداد زیادی از جا شها، با سداران و عناصر ارتشی کشته و زخمی میشوند .

از صبح این روز هلی کوبترهای ارتش جمهوری اسلامی تمام منطقه را می - کوبند. در ضمن در درگیری مذکور از انتموم نیز کمک گرفته میشود. پس از درگیری، ستون پیشروی کرده و بطرف روستای کشکی حرکت میکنند. در این منطقه، پیشمرگه - های "پیکار" (دسته شهید "امیر" و دسته شهید "مسعود") که برای یاری رساندن به پیشمرگان کومله و دمکرات رفته و لسی نتوانسته بودند خودشان را به آستان برسانند در نزدیکی روستای "گشکی" (به علت مستقر شدن تانکها) در محاصره قرار میگيرند و از ساعت ۱ بعد از ظهر درگیری آغاز میشود .

پیشمرگان پیکار با مقاومت و شجرت مانده خود که منجر به کشته و زخمی شدن تعدادی از جا شها و با سداران میشود حلقه محاصره را شکسته و عقب نشینی میکنند. بهنگام عقب نشینی، یک هلی کوبتر کبری جمهوری اسلامی که خیره سرانه خود را بر زمین نزدیک کرده بود تا فرزندان دلاور خلق را به رگبار گلوله نشیند، خود از رگبار گلوله - پیشمرگان پیکار گردانماند و در نزدیکی

(۱) - ستون مذکور شامل ۱۵ تانک، ۹۰ ریمو، ۲۰ جیب، ۲۰ اتومبیل سمیرغ بود که ۳ هلی کوبتر و ۲ قاتنوم نیز آنرا پشتیبانی میکردند .

درود بر تمامی شهدای بخون خفته خلق کرد

اخباری از کردستان، سوز زمین حماسه ها

● کامیاران ۵۹/۵/۲۴

مزدوران رژیم زیرحلات

بیشمرگان قهرمان

در این روز، یک ماشین رنجروور حامل تعدادی ارتشی و جاش و پاسداران جاده کامیاران سنج در نزدیکی پاسگاه "گاوشان" در کمین بیشمرگان قهرمان کومله افتاد. در آن روز یک بیشمرگان ماشین از کار افتاد و حدود ۷ نفر از مزدوران رژیم کشته شدند. بیشمرگان قهرمان بدون تلفات به پایگاه خود بازگشتند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۶

۴ ساعت نبرد پاشکوه و شکست دشمن در این تاریخ ۲ کامیون ارتشی و یک ماشین سمرغ حامل جاش و پاسداران و کاروانی که از منطقه روانسر اعزام کامیاران بودند، در منطقه "الک" (حوالی کامیاران) زیرحلات شجاعانه بیشمرگان جانشینان کومله و دیگران قرا گرفتند. این درگیری از ساعت ۹ شب آغاز شد و تا ساعت ۱۲ و نیمه ادامه داشت در طول درگیری دوتا تک تیربازی کک به مزدوران ضد خلق به محل رسیدند. طی این درگیری بیشمرگان قهرمان با استفاده از سلاح سبک و بازو و آرمی جی تلفات فراوانی به نیروهای دشمن وارد کردند. طبق گفته اهالی منطقه ۲۵ الی ۳۰ نفر از مزدوران کشته شدند. همچون آسبی به بیشمرگان وارد شدند و آنها توانستند یک خمپاره ۶۰، یک قبضه تیربار ۳، یک قبضه ۳ و چند قبضه سلاح کمربندی مهمات و یک ماشین سمرغ از دشمن به غنیمت گیرند.

● کامیاران ۵۹/۵/۲۷

ریوی ارتشی در کمین

بیشمرگان قهرمان پیکار

در ساعت ۷ صبح این روز یک ریوی ارتشی در جاده کامیاران - سنندج در نزدیکی توتل، به کمین بیشمرگان قهرمان سازمان بیکار افتاد و مورد حمله شجاعانه بیشمرگان بیکار رگروار گرفت. بیشمرگان سازمان ضمن وارد آوردن تلفاتی بر سرنشینان ماشین مذکور، عقب نشینی کرده و سالم با پایگاه خود برگشتند.

★ ★ ★

خارج شهر، فرودگاه سنندج، بارگشت آری، ارتش نادنندگان مسلح در مقابل خلق پارای مقاومت نداشت. چهره های محرم و بیافرخته مردم در حین کشش کرد. پس جنم می آمد، قلم برآزادی بود. به فرودگاه آمدیم و مستقر شدیم. سربازان همه ناراضی بودند. حاضر نبودند پیروی کنند. سربازان میگفتند: اگر بخوانیم سرتون برویم کشته خواهیم شد... کسانیکه ما می گویند بیروید خودتان جلو بمانند. بیستی وستی صدر بسا بدجلو، نه سربازان! سربازان گروه گروه جمع شده بودند و اعتراضات خود را اعلام میکردند. می گفتند و میله هوائی برویم. آنها نمی خواستند جلوی مردم بایستند. تیمار معانیت نیرو حمله گران تلاش می کرد که سربازان را آرام کند و آنها را بر علیه کردها برانگیزد. اما سربازان هر چه بیشتر مخالفت میکردند و مزه های ترش رفته رفته اوج میگرفت.

ادامه دارد

برهبری طبقه کارگر سلطه میریالیزم را با خود خواهد کرد. و سرگویی تحسین سار بود. در آن لحظات ما شاهد منظره غریبی بودیم که هرگز از طرم محوس نخواهد شد. مردم که از آمدن ستون با حرسه بودند در خانه با آن اصلی، راه ما را سد کردند. هیچ حملاتی قادر نخواهد بود این صحنه را توصیف کند. زن و مرد و کودک، بیرو جوان، سینه به سینه ایستاده بودند. صدی از عشق و ایمان در مقابل خویش داشتیم. سینه خیابان کوئی همه چشم پوشی نگاه می سوران از عشق کوئی همه مشسی بود که شده از ایمان، کوئی همه دهانی بود که با صدای رعد آسمانی خروید: مرگ بر آمریکا. "مرگ بر ارتش آمریکا". "مرگ بر فرماندهان مزدور ارتش". مردم مضموم بودند. همگام با هم در نشان مدها برآ برنده بود. آنسان که فرمانده سب را سیر سوخت انداخت. او که از استقامت خلق سخت هراسان شده بود، با دستی چکی دستور برگشت ستون را داد. ستون با عجله و خوشحالی به سوی

روستای گشگی سقوط کرد و خلبان آن کشته شد. این درگیری تا نزدیکیهای سنندج ادامه داشت و بیشمرگان قهرمان سالم به پایگاه خود بازگشتند.

★ ★ ★

بقیه در صفحه ۷ با چشم...

کلمه "منصر خا رجی" در کوم طسین خاصی داشت چهره های استخوانی و پیرا زشار دویا غبان سنندجی در ذهنم محسوس بود. بجای بیبل مسلسل در دست گرفته بودند...

★ ★ ★

چهارشنبه ۲۷ فروردین

در سرگرا های روزی روزی ملال، تب ما با تجهیزات کامل، از کوما نشا به سوی با نه بحرکت درآمد. ستون با نظم و اضطرار، به سوی سنندج می رفت. در مرز استان کردستان ستون متوقف شد. تا هلیکوپتر و فایتم بیکاری رسید. سپس با تا مسن هوایی حرکت کردیم. به شهر کوچک و غمزه مریوان رسیدیم. شهر در دست پاسداران بود فضای خاصی برخاسته حکمرا بود. مردم سده دسته در معا بر ایستاده بودند. تلافی نگاهها نشان که بر از کینه و نفرت بود محکم و بطور در دنا کی بر ما فرود می آمد.

از شهر خارج شدیم. به ستون اطلاع داده شد که یک گروه مسلح در ارتفاعات مریوان دیده میشوند. به ارتفاعات رسیدیم. همه جا از افراد مسلح پوشیده شده بود. به کمرشان قطارهای فتنگی آویخته بود و گیوه های سترگ به پاداشند. به پایتین که رسیدیم حسوزانی از نرم مرا فرا گرفت. سوزش شوم زیا های مالا آمد و در مغز مودیدستا دیشمرگها در تنجا بود. دختر جوانی با چهره ای محکم و مطمئن، بوهاشی کوتاه و لبهای متین، با اسلحه ای بر شانه، جلوی در ستاد پاسداری میداد. از چهره اش ایمان می بارید و برق نگاهش تیزی خنجر را داشت. در اطراف جوانانی دیده میشدند که همگی مسلح بودند. با اطمینان راه می رفتند و چون کوههای کردستان استوار و دست نیافتنی. اینک ما روی آمان قرار دادیم و من به همراه ارتشی در حرکت بودیم که برای سرکوب خلقی آمده بودیم. این دلاوران از دل آن برخاسته بودند. از آن دور شدیم. سوز سردی میوزید. هوا بیش از حد سرد بود. اما من آتشی در دل خود داشتم سوزان، سوزان. به سنندج رسیدیم. شهر توده های دلاور، شهر مازان راه آزادی. وارد شهر که شدیم بر روی پل هوایی این شعار حک شده بود: "تنها خلق مسلح"



اعلام موجودیت « جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان »

فرهنگیان و دانش آموزان
سراسر ایران!

خبر جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان ایران با انتشار اعلامیه ای اعلام موجودیت نموده است جمعیت در اعلامیه خود ضمن توضیح ضرورت ایجاد یک تشکل دمکراتیک برای دفاع از حقوق فرهنگیان اهداف خود را شرح داده است ما ضمن آرزوی پیروزی برای معلمان مبارز کردستان، قسمتی از اعلامیه "جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان" مورخه ۵۹/۵/۹ را در اینجا می آوریم:

بقیه در صفحه ۷

حق تعیین سرنوشت، حق مسلم خلقهاست

بقیه از صفحه ۲ **امپریالیسم...**

آما دگی وسیع توده‌های خلق و طبقه‌ها را گرد رقبال کودتا احتمالی امپریالیسم آمریکا لطمه میزند و از این رو خواسته‌ها ناخواسته و غیرمهرنیتی که در آرد آب به آسیا با امپریالیسم آمریکا و عوامش میریزد.

۴- دیدگاه دوم، برخلاف دیدگاه اول، کاملاً به راست می‌افتد. این دیدگاه رویزیونیستی بر ما هیست ارتجاعی رژیم جمهوری اسلامی و سیاست‌ها و عملکرد - های آن پرده می‌افکند و برای این رژیم "ما هیست مترقی و ضد امپریالیستی" قائل می‌شود. و آمریکا را پدیده‌ای تصویر می‌کند که در بیرون مرزهای ایران - فعالیت دارد. همچنین با بزرگ جلوه‌ها دن بیش از حد خطر خالت آن در ایران، کلیه نیروها را به دنیا لهری از ارتجاع حاکم فرامی‌خواند. این دیدگاه نمی‌خواهد و می‌تواند درک کند که بین ضد انقلاب هم‌تفا دوجود دارد و ضد رژیم جمهوری اسلامی و امپریالیسم آمریکا از این مقوله است. ایندو در سرکوب خلق‌های ایران، در جلوگیری از رشد انقلاب و در با زسی سیستم سرما به داری وابسته متفق القول هستند. ولی چه لحاظ کیفیت پیاده کردن این سیاست عمومی و چه بدلیل منافع خاص هر یک از آنها، اکنون در عین جبهه مشترکشان علیه خلق در مقابل یکدیگر نیز جبهه‌ها دارند. بنا بر این، دیدگاه دوم که شاعر دفاع از ارتجاع حاکم در ایران را در مقابل با امپریالیسم آمریکا سر میدهد، در واقع بفتح یک ضد انقلاب و بر علیه ضد انقلاب دیگر عمل می‌کند و در این میان به خلق و نیروهای انقلابی ضربه می‌زند. شورسین و پیش‌قراول چنین دیدگاه رویزیونیستی ای حزب توده خائن می‌باشد و پس از آن چپکهای (اکثریت) قرار دارند. گذشته از این نیروهای رویزیونیست نیروهای ناپیکیری چون مجاهدین خلق هم در مدار یکسری دارای چنین دیدار ستروانه و انحرافی می‌باشد.

۵- دیدگاه سوم، تنها دیدگاه اصولی و انقلابی می - باشد. این دیدگاه همواره با ارتجاع حاکم را از مبارزه با امپریالیسم جدا نمی‌کند. بهمین جهت دچار انحراف دنیا لهری از ارتجاع حاکم نمی‌شود. چنین دیدگاهی به نیروی طبقه‌ها رگرو زحمتکشان تکیه می - کند، برهبری طبقه‌ها را در انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی میهنان معتقد است. و برای برقراری جمهوری دموکراتیک خلق مبارزه می‌کند. بهمین جهت می‌کوشد با بردن ایده‌های مترقی و متعالی مارکسیستی به میان کارگران و زحمتکشان آنها را متحد و متشکل و تا پیروزی انقلاب هدایت کند. این دیدگاه دره‌ای نسبت به ما هیست ارتجاعی رژیم حاکم دچار تردید و دلدلی نمی‌شود و تصور جانشینان از این رژیم را بخود راه نمی‌دهد. با اینحال، این واقعیت را هم‌کتمان نمی - کند و دشمنان خود را بر روی آن نمی‌بنیسد که رژیم جمهوری اسلامی مزدور امپریالیسم آمریکا نیست. در حالیکه امپریالیسم آمریکا در شرایط کنونی بغا طر سرکوب انقلاب در پی روی کار آوردن یک رژیم مزدور است. به همین لحاظ، این دیدگاه ضمن یافتن بر روی موضع اصولی خویش در مقابل رژیم جمهوری اسلامی و افشای همه‌جانبه سیاست‌ها و عملکردهای ارتجاعی و ضد خلقی آن، برولتا ربا و توده‌های خلق را در مقابل اقدامات امپریالیسم آمریکا و عوامش هندا ر می‌دهد و آنها را در

بقیه از صفحه ۶ **اعلام...**

جهت افشاء سیاستهای ضد فرهنگی هیست حاکمه نسبت به فرهنگیان کردستان کوشا باشند.

فرهنگیان مبارز کردستان!

جمعیت مستقل معلمان مبارز کردستان ایران برای دفاع از حقوق فرهنگیان اعتقاد دارند تنها با مقاومت دسته‌جمعی شکل یافته و حفظ وحدت انقلابی خود می‌توان سیاست ضد فرهنگی و فشا روتضییق هیست حاکمه را خنثی کرده‌ها ت حاکمه می‌خواهد از طریق فشار وحدت مبارزاتی فرهنگیان را از بین برده و سازشکاران و تسلیم‌طلبان را به خود جلب نماید، و نا خاص بینابینی و متزلزل را بصف سازشکاران سوق دهد تا با ایجاد شکافی عمیق و از بین بردن پیوند و پیوستگی فرهنگیان مبارزین این قشر اناسایی و بی‌شدت سرکوب نماید. **جمعیت**، مشکلات همکاران فرهنگی خود را عمیقاً احساس می‌کند و فشارهای مالی و اداری آنها را درمی - یابد و اعتقاد دارد که تنها با ایستادگی می‌توان شرایط تحمیلی و ضد دموکراتیک هیست حاکمه را در حال حاضر در شهرهای کردستان (سنندج، سقز، بانه، مریوان و...) از طریق بر کردن پرسشها مه‌وان انجام همه‌جانبه اعمال می - شود خنثی نمود.

با این استدلال بر کردن هرگونه پرسشها مه‌وانجام همه‌جانبه را تویا **تحریم** می‌باشد. **جمعیت** وظیفه خود میدانند که مدای اعتراضی حق طلبانه فرهنگیان کردستان را بگوش هم میهنان خود و سازمانهای مترقی و پیشرو و بنیادهای دموکراتیک و شخصیتهای مبارز منظم - شور پشتیبانی برسانند.

دانش آموزان مبارز کردستان!

وحدت مبارزاتی خود را مستحکم تر نماید و با اعتراض دسته‌جمعی، انحلال آموزش و پرورش، اعدام و اخراج و تبعید و زندانی فرهنگیان و دانش آموزان و تعطیل مدارس را بحدت محکوم نماید. هیست حاکمه می‌خواهد با تعطیل مدارس و محسروم نمودن شما از شرکت در امتحانات، طبیعی ترین حقیق شما را زیر پا گذارد.

هیست حاکمه با علم به اینکه بخش وسیعی از شما بدلائل متعددی امکان رفتن به شهرهای دیگر و شرکت در امتحانات را ندارند و خطر محسروم شدنشان حتی است

جهت مقابله با چنین خطری که چه‌بسا بصورت کودتا هم بروز پیدا کند اما مه‌ودر حد توان و امکان خوبیش متشکل می‌کند. و در صورت بروز کودتا، در عین حفظ صف بندی مستقل خویش در برابر رژیم جمهوری اسلامی به جنگ با کودتای امپریالیستی می‌پردازد، می‌کوشد زحمتکشان را هم کهنه بدلیل توهمشان در موضع دفاع از رژیم جمهوری اسلامی قرار گرفته اند به موضع اصلی آنها و دفاع از منافع طبقاتی شان بکشاند. بنا بر این در چنین موقعیتی دوتیرودر ایران با امپریالیسم آمریکا و عوامش مقابله می‌کنند، یکی ضد انقلابی و از با بگا ه دفاع از رژیم جمهوری اسلامی و لاجرم در چپا ر جوب ضد انقلاب و دیگری انقلابی و از موضع دفاع از منافع

بقیه از صفحه ۱۵ **جنبش...**

می‌روند. آنها روشن نمی‌سازند که این دولت‌ها بورژوازی - وائی هستند یا خرده بورژوازی؟! زسکوت رفقای رژیمند - کان در پاسخ به سوالات فوق و نظایر آن چنین بر می - آید که این رفتار برای رویزیونیسم هیچ پایگسسه اقتصادی - اجتماعی قائل نیستند. رژیمندگان با سایر دیگر به فضای نزلزلات رویزیونیستی و تمکین در مقابل سوسیال امپریالیسم روس روشن نمی‌کنند که این کدما مین طبقه مسلط اجتماعی در لهستان است که طبقه کارگر به مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟! یمن رفتار برای خلاص شدن از تنگنای تحلیل طبقه‌ای از حزب و دولت بورژوازی رویزیونیست حاکم در لهستان چنین نتیجه بدیمی میگیرند که چون "جنبش حکومتی (حکومتی شوروی و لهستان) کارگری نیستند پس ضد کارگرند!" رفتار شما با بدروشن کنید که مبارزه طبقه کارگر لهستان علیه کدما طبقه اجتماعی است. □

می‌خواهد با یک تیر دو نشان را بزند، یعنی از یک طرف با ایجاد دموآنتی باعث محسروم شدن عده‌ای از همکلاسی - های شما بخصوص خواهانتان شود و از طرفی دیگر با ایجاد شکافی عمیق بین شما بدبینی و نفاق و جدائی را دامن زند.

ما به شما توصیه می‌کنیم که فریب این توطئه‌گران را نخورید و با اتحاد خود نقشه‌های نفاق افکنانه آنها را بخش بر آب کنید، و شرکت در امتحانات را در شهرهای دیگر **تحریم** نمائید.

جمعیت ما معتقد است که حفظ از طریق شکل دادن بخود و ایجاد یک تشکیلات مستقل صنفی - سیاسی و بر - فراری پیوندی ارگانیک با تشکیلات مستقل معلمان می‌تواند یک جبهه مقاومت را در مقابل فشا روتضییقات و نجات‌جات ضد فرهنگی و ضد دموکراتیک هیست حاکمه بوجود آورد.

پرتوان با وحدت و مقاومت هر چه بیشتر فرهنگیان برای خنثی کردن توطئه‌های ضد فرهنگی متشکل تریا د تشکلهای دموکراتیک فرهنگیان برقر و با وحدت مبارزاتی خلقهای ایران ۵۹/۵/۹

برولتا ربا و زحمتکشان، بوجود آمدن چنین حالتی به هیچ وجه بمعنای این نیست که نیروهای انقلابی و کمونیستی لحظه‌ای از افشای ارتجاع جمهوری اسلامی در ایران دست بردارند. ولی این معنی را در بردارد تا زمانیکه از لحاظ نظامی مورد یورش این نیرو واقع نشده اند. ترا مورد حمله نظامی قرار ندهد.

بدین ترتیب، تنها و تنها دیدگاه سوم است که یک دیدگاه دیرولسری است و از منافع برولتا ربا و سایر زحمتکشان حمایت می‌کند. چنین دیدگاهی واقیعت را تحریف نمی‌کند و با حرکت از واقعیات آما دگی خود را در مقطع کنونی برای مقابله با کودتای احتمالی امپریالیسم آمریکا کاملاً حفظ می‌کند. و در عین حال با تمام قدرت با دیدگاههای انحرافی مبارزه می‌نماید. □

رجائی، عامل حزب جمهوری اسلامی و برادر لیبرالهاست

بقیه از صفحه ۱ دومین کنگره ...

کنگره‌سازمانی ما در شرایطی برگزار شد که علیرغم تمامی تلاشهای رژیم جمهوری اسلامی برای سرکوب جنبش توده‌ای و نوسازی سیستم سرمایه‌داری وابسته، بحران انقلابی در جامعه ما همچنان تداوم یافته و بورژوازی و خرده‌بورژوازی مرفه‌ستنی نتوانسته‌اند در تثبیت حاکمیت خود با اهداف مورد نظرشان برسند، این وضعیت مسائل مبرم و بسیار پراهمیت و تعیین کننده‌ای را پیش پای کمونیست‌ها قرار میدهد. و در این میان سمت و سویی که سازمان ما چه از لحاظ ایدئولوژیک و چه از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی اتخاذ میکند، بدلیل موقعیت تعیین کننده‌اش در جنبش کمونیستی مینهمان، از اهمیت بسزائی برخوردار است.

به همین جهت ما برگزارری موفقیت آمیز کنگره سازمان و دستاوردهای آنرا نه فقط یک پیروزی برای خود، بلکه موفقیتی برای جنبش کمونیستی مینهمان تلقی میکنیم. و همچنان که در کنگره متذکر شدیم آرزو مندیم زیر پرچم پراختیا و رپورتاریای ایران و در راهی (با خون شهیدان) کمونیست و انقلابی خلق سرخ رنگ کشته‌ست، این دستاوردها، دستاوردهای که هر چند در مقابله عظمت‌های که در پیش‌داوریم کوچک است، چراغی در دست مابرای پیکار در راه آزادی طبقه کارگر و تمامی خلق باشد.

سازمان در نظر دارد در آینده و بتدریج، دستاورد های کنگره و نتایج آنرا بطور علنی در اختیار نیروهای کمونیست قرار دهد اما در اینجا ما ضروری میدانیم که به مهمترین موارد دستاوردهای کنگره اشاره کنیم. این موارد بطور محوری و خلاصه بشرح زیر است:

۱- نقش برجسته و بارز توده‌ها در تعیین سرنوشت سازمان:

در گذشته با توجه به غلبه کمی چریکی بر جنبش کمونیستی مینهمان (تا سال ۵۷) و با توجه به اینکه ما پس از زرد می چریکی و علیرغم آگاهی نسبی بر اصول و ضوابط سازماندهی حزبی مجبور بوده ایم دوران گذاری را برای تطبیق وضعیت سازمانی خود با اصول حزبی از سر بگذرانیم مگر کسی نودهای برای شرکت فعال توده‌های سازمانی در تعیین سرنوشت خویش تا مین نمی گردید. در این کنگره بدلیل اجرای سیستم انتخابی حزبی (بطور نسبی) که حدا کثر دمکراسی را برای انتخابات حوزه‌ای (انتخاب از پایه) بمنظور انتخاب نمایندگان کنگره تا مین می نمود، توده‌های سازمانی توانستند پیش از پیش و بطور آگاهانه و مهر و نشان خود را بر مضمون و مواضع مصوبه بگویند.

۲- رسیدن به ارزیابی عینی از وضعیت جنبش کمونیستی جهانی و ایران و ...

غلبه رویزیونیسم خروچوفی بر احزاب و سازمان های کمونیست در دهه ۷۰ که آنرا به سنجش لاپ رویزیونیسم کثانت و بدنبال آن ضربه مهلکی کسه ارتداد حزب کمونیست چین از مارکسیسم-لنینیسم و روی آوردن آن به تئوری ارتجاعی و رویزیونیستی "سه‌جهان" بر جنبش کمونیستی جهانی وارد ساخت، اردوگا هوسوئالیستی را بشدت تضعیف ساخته و دچار

فرصت یافتند در راه این مسئله به بحث و مباحثه ایدئولوژیک بنشینند و در مورد راه‌حلیهای مسئله بیانندیشند. هر چند قبل از کنگره در ارزیابی از وضعیت و بحران جنبش کمونیستی ایران و انعکاس آن در سازمان، تشتت فکری و اختلاف نظرات اساسی وجود داشت ولی کنگره موفق شد با طی پروسه مبارزه ایدئولوژیک نظرات ذهنی و انحرافی را پس زده و به درک نسبتا روشنی از قضا یا دست‌یابد، این امر برای ما چه بلحاظ تئوریک و چه از لحاظ تشکیلاتی حائز اهمیت بسیاری است. چرا که از یک طرف ما با تکیه بر این دستاوردها بهتر خواهیم توانست علیه نظرات ذهنی و انحرافی در این زمینه در سطح جنبش کمونیستی به مبارزه برخیزیم و از جانب دیگر رسیدن به ارزیابی روشن در این زمینه وحدت سازمانی ما را بیش از پیش تقویت نموده است. تمیز دادن عوامل عینی بحران جنبش کمونیستی، از عوامل ذهنی، عوامل جهانی از عوامل میهنی و عوامل عمومی از عوامل ویژه سازمانی، همانا دستاورد بزرگی بود که کنگره بر آن دست یافت. علاوه بر این، راه‌حلیهای با لنسب صریح و روشنی در کنگره برای غلبه بر این مفضل مورد بررسی و تصویب قرار گرفت. چگونگی تلاش برای وحدت جنبش کمونیستی، مبارزه ایدئولوژیک درونی و بیرونی، کوشش برای ایجاد روابط نزدیک، با اردوگا هوسوئالیستی و دیگر تداوم پیرو راه‌حلیهای سیاسی - تشکیلاتی از جمله مواردی بودند که کنگره نسبت به آنها اتخاذ تصمیم نمود. این دستاوردها آینده ما را بیش از پیش در انجام وظایف کمونیستی میهنی و انترناتسینوالیستی ما ن یاری خواهد رسانند.

۳- در زمینه تئوری مارکسیستی - لنینیستی «سوسیال امپریالیسم شوروی»:

در این زمینه کنگره موفق شد استنباط و ارزیابی خود را از سوسیال امپریالیسم، بسط داده و به دستاورد های مهمی دست‌یابد. کنگره به خصوص با تکیه بر ساحت امپریالیستی جامعه شوروی با نظرات نیروهای که در این زمینه از خود متزلزل نشان میدهند، مقرر بندی نمود. کنگره خاطر نشان ساخت که قبول تئوری مارکسیستی - لنینیستی "سوسیال امپریالیسم شوروی" یکی از معیارهای وحدت سازمان با دیگر نیروهای جنبش کمونیستی خواهد بود. علاوه بر این قبول و یا عدم قبول این تئوری انقلابی و مارکسیستی - لنینیستی معیار شناخت نیروهای پیگیر از نیروهای ناپیگیر جنبش کمونیستی خواهد بود. بدین معنی که نیروهای که حزب کمونیست شوروی را صرفا رویزیونیست و این کشور را رویزیونیستی قلمداد میکنند و آنرا یک کشور سوسیال امپریالیستی نمیدانند، علیرغم اینکه از نظر ما جزو جنبش کمونیستی هستند ولی جزو نیروهای ناپیگیر جنبش کمونیستی میباشند و اگر هر آینه در این مورد موضع بین دو صندلی را رها نسا زنده، دچار همان سرنوشتی خواهند شد که دیگر نیروهای متزلزل گشته‌اند کنگره بر اهمیت مبارزه ایدئولوژیک در این زمینه با نظرات و گرایشات رویزیونیستی و تروتسکیستی که ارزیابیهای انحرافی از "سوسیال امپریالیسم

بحران و تشتت نمود. با تطبیق جنبش کمونیستی میهن ما نسبتوانست از آثار و عواقب این بحران بدورماند، پیوستن کامل حزب توده به اردوگا رویزیونیسم جهانی و تبدیل شدن آن بیک دار دسته مزد و سوسیال امپریالیسم تئوروی خیانت این حزب را که با تشریح صحنه مبارزه پس از کودتای سیا ه و امپریالیستی ۲۸ مرداد شروع گشته بود تکمیل نمود و بدنبال آن پیوستن بخش دیگری از محافل وابسته به جنبش کمونیستی که با خا رجه نشینی سالیان دراز خود تا قبل از قیام ۵۷ به اپورتونیسم آشکار در غلطیده بودند، به اردوگا ه رویزیونیستی که رویزیونیستهای چینی پرچمدار آن بودند تا شیر پذیری دیگر نیروهای جنبش کمونیستی که از غلبه رویزیونیسم مومن مانده بودند، همه و همه آثار نامیمون عملکرد رویزیونیسم در جنبش کمونیستی میهن ما ن بوده است. آخرین نشانه عملکرد رویزیونیسم همانا در غلطیدن جاج "آتریست" چریکهای فدائی خلق ایران به منقلب رویزیونیسم است که بنوعیه خود ضربه مهمی بر جنبش کمونیستی میهن ما وارد ساخته است. وقتی به این عوامل منفی و مخرب در صحنه جهانی



دومین کنگره سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر

مسائل ویژه و درونی جنبش کمونیستی مینهمان را نیز بیفزاییم، وقتی در نظر بگیریم که چگونه کمونیستها در جنبش نرفته و انقلابی خلق در سالهای اخیر از توده ها عقب مانده اند، وقتی خرده کاری عظیم آنها، تشتت و پراکندگی آنها را در نظر آوریم، وقتی در نظر بگیریم که هنوز جنبش کمونیستی میهن ما نتوانسته است پیوند لازمها طبقه کارگر و توده ها را برقرار سازد، و وقتی به این مجموعه عملکرد انحرافات و گرایشات راست و چپ را اضافه نمائیم، آنوقت مسائل و مشکلات جنبش کمونیستی میهن ما را که بدرستی باید آنرا بحران نامید، بحرانیه که هیچیک از نیروهای جنبش کمونیستی و جمله سازمان ما نمیتوانند از آنکساست آن بدورمانند، در نظر خواهیم آورد. غلبه بر چنین بحرانی قبل از هر چیز نیازمند ارزیابی صحیح آن میباشد. با درک اهمیت این مسئله بود که در جریان تدارک کنگره بحث وسیعی برای شناخت و ارزیابی از جنبش کمونیستی و مسائل و معضلات سازمانی ما در میان تمامی اعضا و کارهای سازمانی در گرفت. رفتاری سازمانی

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدا نیست

مصاحبه با رفقا حسین روحانی و تراب حق شناس پیرامون تماس

با آیت الله خمینی در نجف طی سالهای ۴۹ تا ۵۳ (۲)

توانست با کمک آیت الله بروجردی جلوی نظراتی از این نوع را بطور کامل بگیرد و موضوع اشغال فلسطین در ایران با سکوت شرم آمیزی که تا حد قابل توجهی تحت تاثیر موضعگیری آیت الله بروجردی بود روبرو شد. آیت الله بروجردی برخی از طلاب جوان، پس - جمله سران فدائیان اسلام را که خواستار شرکت در جنگ فلسطین بودند از قم بیرون کرد و آنها در همین رابطه مدتها جرأت با زکشت به قمرانیا نداشتند.

از سوی دیگر در حالی که جنبش دمکراتیک خدا میر - با ایستای خلقهای ایران علیه سلطه امپریالیستهای انگلیسی اوج گرفته و خواستار رهایی شدن صنایع نفت بود، آیت الله بروجردی نه تنها از آنها شکر خودداری کرد بلکه "حکم" (۱) ملی شدن صنعت نفت را که یکی از مراجع درجه دوم بنا بر آیت الله محدثی خواستاری که بطور نسبی گرایشهای ترقیخواهانها شد داده بود

- نقش روحانیت در زمان آیت الله بروجردی
- منافع مژودا لیا و رژیمها چگونه بود؟
- چه کسانی کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد را به شاه مبارک باد میگفتند؟
- کتابهای ضد کمونیستی را که جایزه سلطنتی بدان بطق میگرفت چه کسانی می نوشتند؟

طلبی های بورژوازی درون طلاب جوان را نیز با جمای تکفیر سرکوب میکرد. فقط برای فنیال میگویم که در سال ۱۳۲۷ (۱۹۴۸) همزمان با تاسیس دولت غاصب اسرائیل و اشغال فلسطین موج مخالفت شدیدی در کشورهای مسقطه عربی و جهان غیر عربی نظیر پاکستان همراهی نظرات در گرفت و توده های بسیاری خواستار شرکت در جنگ علیه امپریالیستهای شدند ولی در ایران، رژیمها

در حاشیه مصاحبه

شیخ محمد تقی فلسفی واعظ معروف که این روزها نیز در هان گذار شده - به فاشی میگوید که کمونیستها و نیروهای انقلابی می بردند و وحشیی پیش همراهی گروهی در زمان با آیت الله خمینی ملاقات کرده ام کسی است که علیه مصدق و به نفع شاه موضع داشت و در حد خود جا ده فکن کودتای آمریکا می ۲۸ مرداد دیبود او از سال ۲۵ به بعد با دریافت حقوق از رگس ۲ در

با دگانیهای ارتش سخنرانی میکرد و برای منحرف کردن افکار عمومی از قضایای سیاسی، سالها به شایسته را که از لحاظ سیاسی برادر و قلوبی رژیم شاه و آلیتی در دست امپریالیستها بود علم میکرد و با طرح یک سلسله خرافات میگویند مردم را مغفول کند. آقای فلسفی با سپهبد زاهدی و تیموری بختیار فرماندار نظامی تهران و با - شما نقلیج رئیس ستاد ارتش دوست نزدیک بود. با یسد برسید چه کسانی از افشای مزدورانی چون فلسفی میترسند؟



"حجت الاسلام شیخ محمد تقی فلسفی واعظ معروف، در خدمت سپهبد زاهدی عامل کودتای امپریالیستی ۲۸ مرداد ۳۲ و نخست وزیر کودتا."

در شمار گذشته بعنوان مقدمه، به تندیسد حملات ضد کمونیستی و ضد مآ هدیسی بویزه پس - از سخنرانی آیت الله خمینی در ۴ تیرماه اناره کردیم. در آن سخنرانی از تماس دونفر از رفقای ما با آیت الله خمینی به عنوان نمایندگان سازمان مجاهدین خلق ایران در سال ۱۳۵۰ سخن بره میان آمده بود. مصاحبه ای که ما با رفقا - تراب حق شناس و حسین روحانی در این باره ترتیب داده ایم در این شماره و چند شماره دیگر ملاحظه میکنید:

بیکار: صحبت را با سؤالی از رفیق تراب آغاز میکنیم که قبل از سال ۵۰ نیز با آیت الله خمینی آشنائی و تماس داشته است. شما چه توضیحاتی را پیرامون آن تماسها برای خوانندگان ما مفید میدانید؟

تراب: قبل از برداختن به تماسی که ما در نجف با آیت الله خمینی در سالهای ۴۹ تا ۵۳ بعنوان نماینده گان مجاهدین خلق داشتیم بیتر است به زمینه آشنائی خودم با روحانیت در سالهای قبل از آن اشاره کنم چرا که از جمله بدها اعتبارها آن آشنائیا، سازمان مرابیه نجف برای تماس فرستاد.

سابقه آشنائی من با روحانیت به محیط خانواده کی وسالهای گذشته در قم تحصیل میکردم (۳۹-۲۶) و نیز به مبارزات سالهای ۳۹ تا ۴۲ و پس از آن پرمیگردد. من در محیطی مذهبی بزرگ شدم و از دوران کودکی در کنار تحصیل در دبستان و دبیرستان با قرآن و نهج البلاغه و کتب مذهبی و ادبیات عرب ما نوس بودم. بسیاری از خوبتان نزدیک من از علمای معروف فاضل (چهرم، لار، شیراز) هستند. پدرم هر چند از طریق وعظ و مسجد سزار معاش نمی کرد و زندگی فقیرانه ای عمدتاً از راه پرورش دام می گذرانند ولی با فرهنگ مذهبی و روحانی بسیار ما نوس بود و علائق و پیوندهای مذهبی و عمل مجدانه به دستورات دینی در بین ما بشکل خیلی قوی وجود داشت.

اکنون با یادآوری مجدد خاطرات و اطلاعات تماس از سال ۳۰ به بعد می توانیم به این نکات و ملاحظات بطور بسیا مختصراً اشاره کنم:

آیت الله بروجردی پس از فوت آیت الله سید ابوالحسن امینانی در سال ۱۳۲۵ بر مسند مرجعیت قرار گرفت و بتدریج دیگر مجتهدین رقیب را بایستوانه و حمایت رژیم شاه از میدان بدر کرد و در این روحانیت شیعه قرار گرفت و نه تنها در ایران از فتوای لیسیمو نظام سلطنتی و حافظه کارترین عقب مانده ترین اقشار اجتماعی حمایت و در واقع آنها را نمایندگی می کرد، بلکه با نفوذی که در برخی دیگر کشورهای مسقطه نظیر عراق و شیب نشینهای خلیج و پاکستان داشت تا آنجا که میتوانست مانع حرکتیهای انقلابی و ترقیخواهانها نیز میگردید. در واقع نقش آیت - الله بروجردی ما نندیشکی بوده که ۱۵ سال تمام (۲۵ تا ۴۰) نه تنها بید توجهی فدایات ضد خلقی رژیم شاه و سرکتابیهای امپریالیستهای انگلیسی و آمریکا می مشغول بود بلکه هرگونه صدای حق طلبانه و حتی تجدد

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

با یکتوت کرد. فردا خیریس از جندی مرد.

شرکت آیت الله کاسی همدردی با زرات ملی شدن نفت - همانطور که میدانیم - چنان از اینگاه مرتجعانه ای بود که به آسانی پس از یکسال همگامی با مصدق به همدستی با امثال دکتر مظفری شی و دیگر نوکران انگلیسی و آماده کردن زمینه برای کودتای ۲۸ مرداد تبدیل شد. در این باره حقایق زیادی در تاریخ ایران وجود دارد که بجای خود باید توده ها روشن شود. روحانیت سیمه (پاستننای معدودی که جندان نفوذی در بین مردم نداشتند نظیر آیت الله طالقانی و آیت الله سیدرضا زنجانی و چند تن دیگر) در سخت تریس لحظاتی که در آن سالها بر توده های میهن ما گذشت (نظیر کودتای ۲۸ مرداد، انقضا دقرا داد کنسرسیوم انقضا دبیمن بغداد، بیمان سنتو، کشتارهای بسی حساب توده های کارگران و زحمتکشان و رورننگران مترقی طی سالهای ۳۰) جزگوت و ممانعت با رژیم شاه جز حمایت از بیگانه اجتناب نمی نمود - لیس (که جز این همان نظریات) کار دیگری نداشت. بسیاری از مردم خوبی به یاد دارند که روحانیت درباری نظیر آیت الله سید محمد بهیبهانی و واعظانی مثل فلسفی چگونه علیه مصدق و بنفج شاه موضع داشتند و در حد خود جا دمافکن کودتای آمریکا می ۲۸ مرداد بودند. پس از کودتای آمریکا می ۲۸ مرداد، روحانیت عموماً از اینکه کشور با اصلاح بدست کمونیست ها نیافته خوشحال بود. دادستانی نظامی که افراد دهنم به توده های و جینی بودن را دستگیر میکرد، زمانی که می خواست با لاجرم آنها را آزاد کند، با بدهمرا با تعهد عدم فعالیت سیاسی و قسم و وفاداری به نظام شاهنشاهی و دین مبین اسلام، از متهم در کنار یک روحانی عکس گرفته شود و میباید پیرونده گردد. آیت الله بروجردی با راه انداختن یک دربار مثل واتیکان در قلم به ریختن و - با ش میلیونها تومان پولی مشغول بود که از سوی نشود آنها و تاجر بزرگ (که حاصل دسترنج زحمتکشان بود) به صندوقش سر ازیر میسودا طرفیانش مانده "حاج احمد" به سران بیداران و هتل داران بزرگی تبدیل شده بودند. بسیاری از ویژگیهای دربار جاری که مسجل قدرت حکومتی نشود الی بود در "دربار آیت الله بروجردی در قلم دیده میشد. حتی مفتخوران و باندچنان دورق با جنبینا می بنام "اصحاب استغناء" (۲) مرکب از مشاوران آیت الله وجود داشتند. و بدینست ایس نمودند و هم بگویم که آیت الله بروجردی در حالیکه قریب ۹۰ سال از عمرش میگذشت درست به سبک شاهان خوشگذران، زین جوانی را به عقد خود درآورد، و با اصلاح "تجدید فراش" کرد. این دختر جوان را پدرش که گویا یک مالک بود "نذریک سیدجلیل القدر" کرده بود!

اما موضعگیری آیت الله بروجردی دربار بربرخی حرکتیهای تجددخواهی در میان روحانیت و طلاب جوان چگونه بود؟ حرکت با معور شدت تافتهای طبقاتی بنفج بوزروازی، انعکاس خود را در میان روحانیت و حوزه های "علوم دینی" در تلاش برخی از روحانیون برای فراگیری با اصلاح علوم جدید می یافت. کسانی مانند سارمکارم، (۱) - در فرهنگ شیعه "حکم" از "فتوا" اهیست بیشتر دیده اند. بدین صورت که تبعیت از فتوا برای همه الزام آور نیست ولی تبعیت از "حکم" برای همه حتمی دیگر مجتهدین ضروری است.

(۲) - سوالی که از مجتهد میشد و از وقتوای را طلب میکند استفتاء میگویند و منظور از اصحاب استفتاء جمعی است که به بررسی و صدور فتوا نزدیک بروجردی می - پرداخت.

حل و فصل برخی دعاوی، چند ماه پیش، به ائمه انبیا در ستاده شد در سال ۴۵ به استیصال شرح اهدائی شاه که آنرا از اصفهان به عراق می بردند (و به عنوان یک وسیله تبلیغی بنفج رژیم شاه دو بار گردانی ساواک، در شهر - های ایران می چرخانند) رفت و دلیل آن را در برابر استیصال اعتراض آمیز من چنین آورد که "مگر ما باید با همه کارهای رژیم مخالفت کنیم؟"

راستی که آنتی کمونیسم را هر جزقوت به ادها بنی بوزروازی و امیرالیم و عمال اش ندارد. این حقیقت هم در گذشته ثابت شده و هم پس از این بیش از پیش بر توده ها روشن خواهد شد.

● - چه کسانی مانع تظاهرات ضد اسرائیلی در سال ۱۳۲۷ شدند؟
● - در فاصله سالهای ۲۰ تا ۱۳۴۰ و حوادث مهمی که به وقوع پیوست ملی شدن صنایع نفت، ۳۰ تیر، کودتای ۲۸ مرداد، انقضا دقرا داد کنسرسیوم، بیمانتهای بغداد و دستتو... موضع آیت الله خمینی چه بود؟

موضع آیت الله خمینی چه بود؟

خوب، شاید بخواهید بدانید که موضع آیت الله خمینی در آن سالها یعنی تا سال ۴۰ چگونه بود و آیت - الله خمینی دربار آن همه سرکوبها و تاجایی که در کشور جریان داشت، دربار بر دیکتاتور قسرون وسطائی شاه از یک طرف و مرجعیت بروجردی از طرف دیگر دربار بر ساخت و پاخت دربار بروجردی با دربار شاه و واسطی های کسانی مانند قاسم مقام الملک ربیع (لله شاه)، صدرا الاشراف (رئیس مجلس سنا و جلال معروف با شاه) و اردشیرزاهدی... که مدام بیسین شهران و قمر رفت و آمد میکردند و خودنا که برای "تبعین و تبرک" به دست بوس آیت الله بروجردی میرفت، در برابر تشریفات که پس از ۲۸ مرداد و بیخاطرامت شاه از سوی آیت الله بروجردی به تهران ارسال میشد چه بود؟ موضع آیت الله خمینی در قبال کودتای شاهنشاهی ۲۸ مرداد و خونریزیها و اعدامها و تباشتن زندانیان چه بود؟ آیا او دربار بروجردی دت مهمی نظیر انقضا دقرا ملی شدن صنعت نفت، کشتار ۳۰ تیر، تاسیس ساواک، کودتا، انقضا دقرا داد کنسرسیوم و برپا در رفتن دست آوردهای مبارزات مردم در جنبش ملی نفت انقضا دقرا بیمان بغداد و بیوستن ایران به اردوگاه آمریکا و انگلیس که آنها هر وقت مایل بودند می توانستند در ایران نیرو پیدا کنند، انقضا دبیمن سنتو، کشتار کارگران کورپزخانه ها در سال ۲۸ و دهها حادثه دیگر چه موضعی داشت؟

در جواب با بیدگویم تا آنجا که من اطلاع دارم آیت - الله خمینی در اوارد دوره رضا شاه کتابی سنا مکشف اسرار نوشته که در آن برخی موضعگیریها علیه ارداشته است. این کتاب پس از رضا شاه تا سال ۴۰ یعنی قریب ۲۰ سال حتی مخفیانه تجدید چاپ نشد و کمتر کسی از آن اطلاع داشت. در قبال ۲۰ سال تاریخ ایران (از ۲۰-۱۳۴۰) آیت الله خمینی اسامی موضع سکوت داشته و در برابر همه قضا می کرد که در آن سالها گذشته و چند دقیقه پیش به آنها اشاره کردیم. املا موضع مبارزه جوانانهای نداشتند است. تا سال ۴۰ آیت الله خمینی فقط یک مدرس مهم و معروف حوزه قم بود. در آن زمان پس طلاب و برخی مدرسن تجدید طلب حوزه قم، برودها را می علیه

بیان کنند و مثلاً با فلان مؤسسه اروپائی یا آمریکا می که در باره "حقانیت اسلام" تحقیق میکنند و ده داشته باشند، بهیشتی و مجتهد سبستری (شما بنده فعلی مجلس) که بعداً به آلمان رفتند و موسی صدر به لبنان و حجت الاسلام تنوری که "نما بنده ما م" در اروپاست و کسانی دیگر، از آن زمانها خود را برای نمایندگی بوزروازی در میان روحانیت آماده کرده اند. سید - هادی خسروناهی "نما بنده ما م" در روزگار آرشاد دلمی وعده های دیگر نیز از این دست هستند. جالب است که این گروه از روحانیت اسامی از سوی آیت الله شریعتی در آن زمان بهیشتی متکی به بوزروازی بزرگ و وجوه تاجر تشریری با زار شهران و تبریز و... بود، حمایت میدادند. شریعتی در این باره ها می متعددی در همین جا راجوب پیدا کرده. من جمله را از تبلیغ بسا بودجهای گزاف اقدام نمود و محفل ترین هتل قم یعنی هتل ارمراببعنوان محل دارا تبلیغ به چند صد هزار تومان (۲۰ سال پیش) خریداری کرد.

نکته مهم این که همین جریان با اصلاح شرقی - خواهانها که در حقیقت هیئت بوزروائی داشت بهیشتی از جناحهای سنتی و عقب مانده می توانست با اندیشه های کمونیستی با اصلاح مبارزه کند و از این لحاظ وظیفه خاصی بعهده داشت. نمونه ای از مبارزات آنها با افکار کمونیستی را ذکر میکنم:

ناصرمکارم با لاف طبعی از کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ کتاب "فلسوف نماها" را منتشر کرد و برنده جایزه سلطنتی شد و تا چند سال پیش که چاپها را مجدداً منتشر میکردید بعنوان "افتخار" روی آن نوشته میشد "برنده جایزه سلطنتی" مرتضی مطهری هم زود دست بکار شد و کتاب "روش رفتار لیس" را که علامه طباطبائی نوشته بود با پولی و رفتی از چاپ درآورد. از سوی محافل دینی در تهران نیز فردی بنام دکتر عبدالحمین کاف کتاب دیگری منتشر کرد. و حجت از کمونیسم که دقیقاً و حتمت طبقاتی است و تمارکرا از طبقه کارگر و ادولپوزی آنرا می رساند، این خفرا را ما رژیم شاه هم صدا کرده و به دام آن انداخت. فقط برای نمونه میگویم که آقای ناصرمکارم بنما بنده مجلس خبرگان و عضو مهم جامعه مدرسین حوزه قم و کسی که بعنوان "نما بنده ما م" برای

در حاشیه مصاحبه:

در حاشیه مصاحسه سندرز براسیفل از کتاب "نهضت دو ماهر روحانیون"
تالیف علی دوانی - قم ۱۳۴۱ - مابوریم تاریخ تلگراف مهر ۱۳۴۱ میبایست:

تلاشگر اف حضرت آیه الله خمینی

بسم الله الرحمن الرحيم

حضور مبارک اعلی حضرت همایونی

پس از اهداء تحیت و دعا بطوری که در روزنامه هامینتر است دولت در انجمنهای ایالتی و ولایتی اسلام را در رأی دهندگان و منتخبین شرط نکرده و بزنها حق رأی داده است و این امر موجب نگرانی علماء اعلام و سایر طبقات مسلمین است بر خاطر همایونی مکشوف است که صلاح مملکت در حفظ احکام دین مبین اسلام آرامش قلوب است مستدعی است امر فرمائید عطا بی را که مخالف دین است مقدسه و مذهب رسمی مملکت است از بر نامه های دولتی و حزبی حذف نمایند تا موجب دعا گوئی ملت مسلمان شود .

الداعی روح الله الموسوی

میکردند تا ناستند یا بیگانه بیابند و مطرح شوند. رشد بورژوازی کمپرادور و رونق کاذبی که چند سال در ایران وجود داشت آیت الله شریعتمداری را که متکی به سرما بدهاران متوسط و بزرگ بویژه تجار آذربایجانی بود بعنوان مجتهد مورد احترام این اقشار رونیوزیم شاه در آوردولی برای برخی اقشار رحمت شریعتی خوده - بورژوازی سنتی، خمینی سبیل و نما بنده منافع طبقاتی بود خرد بورژوازی سنتی شدیداً از سوی سرما به - داری وابسته حیاتش تهدید میشد و مبارزه جدی و غیر - رفرمیستی را طلب میکرد اما تا زمانیکه شاه ندهای از سفره رنگ بورژوازی بطور موقت به او (خرده - بورژوازی سنتی) میرسید یا احتیاط جلومیزفت، ولی وقتی دیگر کار دبه استخوانش میرسید حتی گاه به - حمایت از فعالیتها مسلحانه مجاهدین نیز میرد اخت، ادا به مصاحبه با تفصیل بیشتری به حوادث سال - های ۴۰ و نقش روحانیت می بردا زده که در شماره آینده خواهد خوانند .

که به آنها سر از بر شدن نده های متوسط و فقیر و ستم - دینه به خیابانها شد باقیام ۱۵ خرداد و سرکوب حش نده ها از سوی رژیم بود چه کردید و آیت الله خمینی برای نده ها بصورت رادیکالترین رهبر مذهبی درآمد. تلاش - های رژیم برای تسخیر و بدنام کردن او و علم کردن کسانی مانند شریعتمداری و خوئی و غیره به محسوسیت خمینی وضعی تر شدن بیگانه گسانی مانند شریعتمداری که سابقه بیشتری از خمینی داشتند انجام میدهم خمینی را در موضع قاطعاً مخالفی قرار داد که نمونه اش سخن - رانی تند و در سال ۴۲ سررسمویب، کابیتولاسیون (محموسیت فغانی مسلمانان آمریکا) توسط مجلس بود. حرکت مبارزه جویانه آیت الله خمینی از سوی دیگر مراجع عمدتاً با سکوت و اکراهی رو بر روند. فتوایها ضربه خوردند و در سیستم جدید بورژوازی کمپرادور حش شدند و گسانی مثل آیت الله حاج آقا حسن قمی (مقیم مشهد) که در فغانی با حمایت از فتوایها به مخالفت با شاه برخاسته بودند علیرغم قریب ۹ سال تبعید در کرج چون از یک جریان اجتماعی تقریباً مرده حمایت

کتابهای درسی که گاه در اینج تالیف آنها به خدمت - سال قبل می رسد بماند بود. تغییر سرما به ها و کتسب درسی بنحوی که متضاد با سبیا روز (با بورژوازی) یا بنصورت یک حرکت حدی در آئمه بود ولی آیت الله خمینی در را بنطری همین کار صحنی اس تیرسار به سن گذشته و عقب مانده ها بنسب بود .
در درس "اصول" بحثی وجود آمد در سبام - و اجب . منظور از این بحث این است که معلوم بود اگر کاری "واجب" است (مثلاً حج) آیا مقدمه اش (سوار هوا - پیماندن) هم "واجب" است یا نه ؟ آقا ی خمینی وقتی می - خواسته این بحث را برای شاگردان شروع کند گفته بود این بحث "بهدر دهنده" می خورد نه "آرت" و لسی چون قدمای این بحث را از آئمه بدنه آن را شروع می - کنیم و شما هم وقت جدیدتغیرات این فضا که سه بقول خودش بهیچ دردی نمی خورد گرفته می شود !... در آن سالها که آن همه قضا با در ایران جریسان داشت آیت الله خمینی به این بحثها و نوشتن کتاب - های منجمله ۳ کتاب در باره "دعاه لائنه" (خونهای - و فغان و استخاضه) مشغول بوده است. کوبا فقط در قبال حکم اعدام نواب صفوی نرد و جردی رسه و او را تسویق به تلاش برای جلوگیری از اعدام آنها کرده بوده است و بر جردی هم راه خوا سه بوده که اکثر آنها را اعدام می کنند حداقل بالباس روحانی آنها نسرا اعدام میکنند (مبادا عا ما اعدام شود) که هم منظور هم - اما پس از مرگ بر جردی در اوائل سال ۴۰ و طرح مساله اصلاحات ارضی آمریکا - تا دهه بر جردی از موضع نشودالی تا وقتی زنده بود با مفاوا از اجرای آن جلوگیری کرده بود آیت الله خمینی امر را - حرکت اعتراضی روحانیون علیه اصلاحات ارضی، قانون انجمن - های ایالتی و ولایسی و سرکت زمان در انتخابات و ... به مخالفت علنی با اقدامات دولت برخاست . مخالفت آیت الله خمینی با ارسال تلگراف به شاه و علم (نخست و زیر وقت) که مضمونی انقلابی نداشت شروع نده چند لحن او از دیگر مراجع حش تر و صریح تر بود .
هنگامی با استقرا را کمیت سرما بدهاری وابسته و بهتر بگوئیم ندکی فضل از آن، خرد بورژوازی سنتی - ها زلاحظه اقتصادی و جاه زلاحظه فرهنگی خود را در "رض نا بودی میدید . این مسئله طبعاً عکس العمل مبارزاتی و خصمیتانه او را علیه سلطه میربا لیبسی و کمپرادور و در را س آنها تا بهر می انکس - نما بیندگان سیاسی - مذهبی خرد بورژوازی خواستها و نظرات طبقاتی خود را در سارها و مواضع حش منعکس میکردند و فغانی و در در عرصه سیاسی مبارزاتی می - گفتند، یکی از رهبران مذهبی که توانست در این عرصه نقش ایفا کند و نظار خرد بورژوازی و تا حدی زحم - کتان را به سمت خود جلب نماید آیت الله خمینی بود که شایه های رادیکالترین میداد .
توده های ستم دیده ها نوجه به نیازهای انحصاری و اجتماعی خود را بکطرف و فرهنگ مذهبی ارسوی دیگر به مجتهدی روی آوردند که برخلاف دیگر مجتهدان (که به کاربان سکوت و سازش با رژیم بود) با شاه مغایر بله می - کرد و بدین ترتیب آیت الله خمینی بعنوان رهبر مذهبی و سیاسی پذیرفته شد و تا سن در سالهای ۴۱ و ۴۲ بعنوان مرجع تقلید مبارز مطرح گردید . دستگیری او

تمام دارائی پیکارگو شهید طیب
نجم الدینی در اختیار سازمانش قرار گرفت
مبلغ ۷۰۰۰ ریال دستمزد کارگری رفیق شهید
طیب نجم الدینی (این رفیق به همراه همسرش رفیق
شهید مسعود جلی را در حدود یکماه پیش در تبریز بدست
مزدوران جمهوری اسلامی شورش - که تا روز قبل از
شهادتش کار می کرد از رفیقان پیش در یافت و در اختیار
سازمان قرار گرفت . تا من زنده و خاطره اش جا و دانه باد .

رفقا، دانش آموزان انقلابی!
۱۳ آبان ارگان
دانش آموزی
سازمان را بخوانید
و آنرا ببینان
دانش آموزان
بخصوص فرزندان
زحمتکشان ببرید .


مشکل زحمتکشان گرانی، گرانی، سرمایه دار و تاجر عوامل گرانی

نگاهی به مناظره تلویزیونی مسئولین وزارت کار (۲) با نمایندگان گروهی از کارگران درباره لغو سود ویژه

در شماره قبل پیکار (۷۰) گفتیم که در مناظره تلویزیونی روزهای دوشنبه ۲۷ و چهارشنبه ۲۹ مرداد سه گروه شرکت داشتند، گروه اول، مسئولین وزارت کار گروه دوم (حکیمان و کشا و وزی) از طرف کارکنان شوراهای اسلامی (پلی تکنیک) و گروه سوم (ربیبی و کمالی) از "کانون هم‌هنگی شوراهای اسلامی" (خانه کارگر) در آنجا با برخورد به گوشه‌ای از سخنان یکی از باصلاح نمایندگان گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) نشان دادیم که اینها علیرغم اینکه بظن هر طبقه کارگر مدافع می‌کنند در واقع مدافع سرمایه‌داران هستند. در زیر قسمت بندی آنرا ملاحظه میکنید.

اگر دوستان کارگرمیاداد شده‌اند، و در همان مناظره تلویزیونی نعمت زاده وزیر کار را نفرت از مبارزات سال گذشته کارگران یاد میکرد، خواست آقای نعمت زاده یعنی ما حب کارخانه پتیموس ما ننده‌سر سرمایه‌داردیگر است که کارگران از راههای "قانونی" بدنبال حق خودباشند، چرا؟ چون قوانین رژیم جمهوری اسلامی ما ننده‌سر قوانین دولت‌های سرمایه‌داری همواره از منافع سرمایه‌داران حمایت کرده و کارگران را محکوم می‌نماید. سرمایه‌داران بخوبی میدانند که اگر بتوانند کارگران را به راه‌های قانونی (همان قوانینی که خودشان بخاطر منافع خودشان درست کرده اند) بکشند در واقع توانسته‌اند دست و پای کارگران را کارا ملاحظه‌اند و آنها را فلج کنند. خود وزیر کار اعتراف می‌کند که سال گذشته کارگرانی که بطور انقلابی دست به اعتصاب زده بودند بیشتر از همه توانسته بودند سود ویژه بگیرند، در صورتی که دولت موفق شده بود سر کارگرانی را که به راه‌های قانونی کشیده شده بودند کلاه‌گشادی بگذارد و کمترین سود ویژه را به آنها بدهد. (کشا و وزی) هم‌گوشود و وابسته به یکی از تشکیلات زرد (پ) کارگری است (کارکنان شوراهای اسلامی) و از سرمایه‌داران دفاع میکنند می‌گوشد با حیل و تیرتنگ جلوی مبارزات کارگران را بگیرد و آنها را بهمان راه دلخواه سرمایه‌داران یعنی راه قانونی بکشاند با هم گوشه‌ای از سخنان را مرور میکنیم:

پیا مکانون شوراهای اسلامی به کارگران! کشا و وزی از گروه دوم (کارکنان شوراهای اسلامی) در قسمتی از سخنان خود پی می‌آیند چنانچه کارگران را بسازش و تسلیم در مقابل دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی دعوت میکنند: "به‌یاداران کارگر... با توجه به اینکه همیشه در مقابل تصمیم‌گیریهای غیرمنصفانه بطور مثال حداقل دستمزد... و اخیرا همین مسئله سود ویژه جلوی تهاجمات واخلالگریهای گروهی... ضد دولتی و منافق ایستادگی کرده‌اند و همیشه کارگران با توجه به تهاجمات راسا شیوا صبر و تحمل کرده‌اند، حال هم

(پ) - "کارکنان شوراهای اسلامی پلی تکنیک" و "تائون هم‌هنگی شوراهای اسلامی" (خانه کارگر) هر دو از تشکیلات زرد کارگری هستند که نمایندگان شرکت کننده در این مناظره وابسته به آن می‌باشند.

خونسردی خودشان را حفظ میکنند و بخاطر استقلال مملکت... به کار فعال خودشان ادا می‌دهند و شوراهای اسلامی... منطقی و بی‌گیرندبال این مسئله را بگیرند... بخاطر همین است که این شوراهای اسلامی همیشه خواسته‌اند برای این تصمیم‌گیریها (یعنی همان تصمیم‌گیریهای ضد کارگری رژیم) کارگرها را توجیه میکنند و به آنها مشدودت میکنند، بخاطر خاللی... که گروهی چپ میکنند... [توضیح داخل پرانتز و تا کیدازماست.]

کشا و وزی مبارزات انقلابی کارگران را برای بدست آوردن حقوق خود "اخلالگری" می‌دانند زیرا ایمن مبارزات واقعاً در منافع سرمایه‌داران اخلال بوجود می‌آورد! او کارگران را دعوت می‌کند تا اگر حقشان توسط دولت سرمایه‌داری جمهوری اسلامی پایمال می‌شود، خونسردی خودشان را حفظ کنند به کار فعال خودشان ادا می‌دهند! یعنی در واقع بیشتر کارکنند تا سرمایه‌داران بیشتر بتوانند آنها را استثمار کنند! او از این می‌ترسد که کارگران دست از کار بکشند، تظاهرات نمایند و این مسئله باعث طعنه خوردن به منافع سرمایه‌داران شود، به همین دلیل بیشتر می‌داند که کارگران به "کار فعال خود" ادا می‌دهند و شوراهای اسلامی دنبال کار را بگیرند. البته کشا و وزی به خوبی میدانند که "شوراهای اسلامی" مورد نظر او هم فقط در ظاهر دنبال کارها می‌گردند و در واقع باز دوباره کارگران را زانند سابق "به راه‌های دعوت می‌کنند" [کشا و وزی هدفش راست و پوست کنده آرام کردن کارگرانی است که مصمم هستند با اتحاد دوباره خود حقشان را از این رژیم سرمایه‌داری بگیرند. کشا و وزی میدانند که زمانها و کارها و کروههای انقلابی (و از جمله زمانها پیکار در راه آزادی طبقه کارگر) همیشه مدافع این بوده‌اند که کارگران را فریب قانونهای سرمایه‌داران را نخوردند بلکه خودشان با تکیه بر نیروی اتحادشان برای بدست آوردن حقشان مبارزه کنند به همین دلیل آنها را اخلالگری نامند.

"کارکنان هم‌هنگی شوراهای اسلامی" (وابسته به حزب جمهوری اسلامی) چه می‌گویند؟

ربیبی (از جنرال موتورز) و کمالی (از آخن) که از طرف "کارکنان هم‌هنگی شوراهای اسلامی" (یکی دیگر از تشکیلات زرد کارگری) صحبت میکردند نیز گوشه‌ای از سخنان خود را طرفدار طبقه کارگرشان دهند اما در واقع از منافع سرمایه‌داران حمایت کردند. ربیبی ضمن سخنانش می‌گوید: "این طرح با ایده کمیسیون اقتصادی مجلس شورا برود" چرا ربیبی این پیشنهاد را میکند؟ مگر مجلس که اکثر کرسیهای آن در دست حزب جمهوری اسلامی است میتواند از حق کارگران دفاع کند؟ اگر حزب جمهوری اسلامی (مجلس) می‌خواست با میتوانست از حق کارگران دفاع کند، رهبران آن که اکثر اعضای شورای انقلاب را تشکیل میدادند، هرگز به لغو سود ویژه‌ای نمیدادند، وزیر کار در همین مناظره گفته بود "این سخنان قانونی بود که

بهیچوجه با مخالفت مواجه نشد و همه (اعضای شورای انقلاب) به لغو آن رای دادند". اینها نشان میدهد که رهبران حزب جمهوری اسلامی هم‌گوشورای انقلاب بودند، به همین قانون ضد کارگری رای دادند و دیگر دلیلی ندارد که مجلس هم‌گوشورای اعضا و طرفداران همین حزب تشکیل شده است با لغو سود ویژه کارگران مخالفت کند. ولی ربیبی از این پیشنهاد هدف دیگری دارد. او میداند که کارگران در رابطه با لغو سود ویژه دست به مبارزه خواهند زد، به همین دلیل میخواهد با هر سازی و عوامفریبی جلومبارزات کارگران را بگیرد و آنها را "راه‌های قانونی" یعنی "کمیسیون اقتصادی مجلس" واگذار کند.

اما کارگران به تجربه دریا افتاده‌اند که همواره از طریق اعتصاب، اتحاد و همبستگی خودشان بوده که توانسته‌اند خواسته‌هایشان را از حلقوم سرمایه‌داران بیرون بکشند و در اکثر موارد اعتراضاتشان از طریق قانون بجای نیسیده و همواره از نظر "قانون" خواست - هایشان غیر قانونی شناخته شده است.


همانطور که قبلاً گفتیم (پیکار ۶۷) مخالفت "کارکنان هم‌هنگی شوراهای اسلامی" که وابسته به حزب جمهوری اسلامی و بنوعی بلندگوی آن میباشند، با لغو سود ویژه فریبی بیش نیست، مخالفت این کارکنان با لغو سود ویژه نه از موضعی انقلابی بلکه بخاطر آنست که از حرکت اعتراضی و عادلانه کارگران که بلافاصله پس از اعلام قانون ضد کارگری اخیر شروع گشته استفاده کنند و از افتادن رهبری مبارزات کارگران بدست عناصر آگاه و مومبارز جلویی کرده و از آن وسیله‌ای برای حزب جمهوری اسلامی بسازند تا در مبارزه قدرت علیه بنی صدر از آن استفاده نماید.

خود ربیبی در قسمتی از سخنانش به این مسئله اشاره میکند، به آن توجه کنید:

"یک مسئله دیگر خیلی کوتاه بگویم، اینکه چنانچه وزیر و افرادی فکر نکنند که ما... یک موضعی... در خط انحرافی... گرفته‌ایم و یا وسیله‌ای برای کسب وجهه میخواهیم کنیم (موضوعی در قبضه لغو سود ویژه را)... بخدا مسئله‌ای نبوده... [توضیح داخل پرانتز و تا کیدازماست]

ربیبی است که منظور از موضع انحرافی گرفتن، همان موضوعی انقلابی است که او با صراحت انحراف نفی میکند، تا می‌داند توهم کارگران نسبت به ما هیئت دولت بریزد، و به سرمایه‌داران اطمینان میدهد که حرفهایش دعوی زرگری بیش نیست، خاطر مبارزکنان آشفته‌نبا شد! اینها از خودشان هستند!

منتشر شد



کتاب: سازماندهی ترویج حزب
کتاب: تئوری و روش مبارزه

تا زمانیکه ۳۵٪ بر دست‌تمزدها افزوده نشده
"سود ویژه" گذشته پرداخت باید گردد!

جنبش کارگری در لهستان و انعکاس آن در نیروهای سیاسی ایران

جدیدروی می آورد، رویزیونیستهای حزب توده بدون هیچگونه شائبه اعتصابات اخیر، برنتایج اجتناب ناپذیر مبارزه طبقاتی که ما نشان دادیم را زبانه زنی در بالا می با شدمودیا نه برده ما ترمی افکنند. حزب توده در قبال فیه ای تنگ گرفتار شده است. اباطیل این حزب ورشکسته وهیما لگی ها بیش در مورد به اصطلاح دستا وردهای سوسیالیسم رویزیونیستها در لهستان و دیگر کشورهای اروپای شرقی تکشیده و اینان نمیتوانند مثل همیشه برخی واقیتهای موجودا مروزی درجا مع لهستان را کتمان کنند. در "مردم" (مورخه ۱۰ شهریور) آمده است:

نیست، دولت بورژوا رویزیونیستهاست. حزب توده بطور منظم ومودبا نه از "عوامل عینی فراوان" سخن میگوید آبا سطح نازل زندگی طبقه کارگر، و در رابطه با دستمزدها و افزایش قیمتها و کمبودها محتاج زندگی همان "عوامل عینی" نیستند؟! این حزب ورشکسته برای اثبات دروغهای شاد را خود به ما رسالهها قبل رجوع میدهد و می گوید:

"دستمزد واقعی زحمتکاران لهستان اینک دو برابر بیکره مشابه در سال ۱۳۴۰ است تنها در ده سال پیش دستمزدهای واقعی در آن کشور ۵ درصد افزایش یافت." (همانجا)

- حزب ورشکسته توده با تأیید اقدامات ضد انقلابی لهستان و سوسیالیستهای روسی، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "اخلالگری عناصر ضد سوسیالیسم" (کدام سوسیالیسم؟!) قلمداد میکند.
- رزمندگان یار دگر به اقتضای تزلزلات رویزیونیستی و تمکین در مقابل سوسیالیست امپریالیسم روس روشن نمیکند که این کدامین طبقه مسلط اجتماعی در لهستان است که طبقه کارگر به مبارزه بر علیه آن اقدام نموده است؟

"ادوارد گبریک (دبیر کل حزب رویزیونیست لهستان) ضمن اشاره به ضرورت تسریع آهنگ عادی سازی زندگی همگانی واجتماعی گفت: "شرط عمده دستیابی به این هدف و بر طرف ساختن علل ناراضیهای عمومی واحیای محیط اعتقاد متقابل است. وی اطلاع داد که برای ارضای نیازمندیهای فوری اجتماعی ترکیب تولید تغییر خواهد کرد." (تأکیدات از زیبار) رویزیونیستها ضمن اعتراف بوجود "ناراضیهای عمومی" نمی گویند ریشه های این ناراضیها در چه عواملی نهفته است؟ چرا در کشور سوسیالیستی لهستان بین طبقه کارگر و حزب و دولتش اعتقاد متقابل وجود ندارد؟! بر اساسی ریشه های ناراضیهای عمومی وعدم اعتقاد متقابل در لهستان در چیست؟ در لهستان سرمایه داری دولتی و طبقه بورژوازی و مناسبات سرمایه داری حاکم است. حاکمیت استعمارگرانه و استثمارگرانه این طبقه و سیاستهای اقتصادی - اجتماعی ضد کارگری آن عوارض اجتناب ناپذیری ببار آورده است که نمودهای مشخص آن را میتوان در فقدان آزادی وفشار سیاسی از یکسو و زوی دیگر در گران، تورم، ناپائیداری بودن دستمزدها، کمبودها محتاج عمومی، شرایط طاقت فرسای کار و... در لهستان جستجو کرد. به سبب فشار فزاینده این عوارض است که "ناراضیهای" بوجود آمده و طبقه کارگر لهستان به مبارزه بر علیه بورژوازی حاکم کشیده شده و با اعتصابات تراسری خود، بورژوا رویزیونیستها را به عقب نشینی واداشته است. "ناراضیهای عمومی" که رویزیونیستها ی حزب توده و لهستان از آن یاد میکنند در واقع ریشه در همین مناسبات استعمارگرانه و عوارض فوق الذکر دارد. حزب ورشکسته توده به نقل و با تأیید از "گبریک" رویزیونیست میگوید: "ترکیب تولید تغییر خواهد کرد."

اعتصابات کارگری لهستان، در بین رویزیونیستهای ایران، به اقتضای ماهیت ایدئولوژیک - سیاسی و طبقاتی آنها از یکسو و در بین دشمنان لهستان رویزیونیستها بنا به عدم درک و شناخت صحیح از ماهیت و عملکرد بورژوازی و فدا نقلابی رویزیونیسم از سوی دیگر و کنشهای را برانگیخت. هر کدام از این نیروها بنا به بینش و متنی خود با سکوت نمودند و با ارائه تحلیلهای دست و پا شکسته خواستند خود را از قافیه تنگی که بدان گرفتار آمده اندرها ما زند.

موضوع رویزیونیستها در قبال جنبش طبقه کارگر لهستان

حزب توده در بن بست رسوائی

حزب ورشکسته توده بعد از زدن سکوت و بدنبال اعلام موضع رسمی اربابش - سوسیالیست امپریالیسم روس - مبنی بر اینکه اعتصابات کارگری لهستان کار "عده ای ضد سوسیالیسم و نارویزیونیستها" می باشد، در روزی نامه "مردم" اش نوشت:

"تنگی نیست که راه ای دشواریهای اقتصادی بید برونا آرا میباید در برخی نقاط لهستان منجر شده است که عناصر متشکوک آن را دامن میزنند انگیزه این دشواریها را فزون بر عوامل عینی فراوان در بعضی از اشتباهات سیاست اقتصادی با بدجستجو کرد." (مردم ۴ شهریور، تأکیدات از ما ست)

حزب توده همچون بندبازی ما هر یکوشد از یکسو ماهیت ارتجاعی رژیمهای از نوع رژیم لهستان را بهیوشا ندو از سوی دیگر خود را از زیر بار استوالات، ابهامات و شک و تردیدهای که در سطح جامعه در مورد ماهیت سوسیالیستی لهستان بوجود آمده، نتاج تازد، با بیداز این خائنین برسید؛ چرا در کشوری که شما رویزیونیستها ادعای پیروزی سوسیالیسم در آن را دارید نیست چنین دشواریهای اقتصادی بوجود آمده است؟! پس "عوامل عینی فراوان" و "بعضی اشتباهات در سیاست اقتصادی" کدامند؟ خائنین به طبقه کارگر بهیچکدام از این پرسشها پاسخ نمیدهند. حزب ورشکسته توده از یکطرف گندگی سیستم حاکم بر لهستان را تا سطح یک - سری اشکالات تقلیل میدهد و از طرف دیگر میخواهد اعتصابات عظیم ۳۰۰ هزار نفری طبقه کارگر لهستان را زیر لفاظیهای دروغین خود لاپوشانی کند. او اعتصاب طبقه کارگر لهستان را "ناراضیهای در برخی نقاط لهستان" قلمداد میکند که "عناصر متشکوک آن را دامن میزنند."

حزب توده همچون تمام رویزیونیستها بر ماهیت بورژوازی حزب و دولت لهستان برده ما ترمی افکنند. او پاسخ نمیدهد که چرا در کشور "سوسیالیستی" اش "دشواری اقتصادی" موجب اعتصاب چند صد هزار نفر کارگر میگردد؟ مگر نه این است که حزب و دولت لهستان سوسیالیستی است؟ پس چرا کارگران علیه این دولت قیام کرده اند؟ چرا طبقه کارگر لهستان با اعتصاب خود رودروی حزب و دولت خودش (!؟) ایستاده است؟ اعتصابات اخیر لهستان مشت دروغگویی رویزیونیست را با زگرده است: با این دولت، دولت کارگران

پیش بسوی مبارزه ایدئولوژیک ضامن وحدت جنبش کمونیستی

واقعیت این است که ما هیت تولید در کشورهای بورژوا رویزیونیستی اروپای شرقی و شوروی بعد از حاکمیت رویزیونیستها از تولید سوسیا لیستی بسسه تولید سرما پیدا ری تغییر یافته است. در این کشورها اقتصاد متمرکز و با برنام سوسیا لیستی وجود ندارد. لهستان ۱۹/۴ میلیارد دلار بدهی خارجی دارد و هر سال ۶ میلیارد دلار بابت این بدهی با دید پر دارد. تغییر ما هیت تولید سوسیا لیستی به تولید سرمایه داری بنا گذر تغییر ترکیب تولیدی را نیز در این کشورها بدنیا ل داشته است. ترکیب کنونی تولید در کشور لهستان نه در جهت رفع نیازهای زندگی و رفاه اجتماعی و نه در جهت گسترش، حفظ و تحکیم دستاوردهای سوسیا لیسم بلکه در جهت انهدا مدتها وردهای طبقه کارگرو تا مین منافع طبقاتی بورژوازی حاکم بوده است.

رویزیونیستها از جمله حزب نوده با بدیا سخ دهند مگر بزم شما، ترکیب تولید قبیل از اعتصابات کارگری بر اساس موازین تولید سوسیا لیستی نبود؟ مگر طبق ادعای شما برنام فیزی این تولید در خدمت رفع نیازهای مندیهای اقتصاد، اجتماعی و فرهنگی طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان لهستان نبود؟ اگر چنین بودا کنون برپا به چه انگیزه ای با بدیا این ترکیب تغییر یافته و اگر چنین نبود این همه تبلیغات حول به اصطلاح دست آوردهای سوسیا لیسم در لهستان چه چیزی غیرا ز فریب دادن طبقه کارگری تواند باشد؟

اعترافات رویزیونیستها لهستان مبنی بر تغییر ترکیب تولید خود بر روشنی بیان نگارین حقیقت است که آنچه که در لهستان و کشورهای نظیر آن مستقر شده، نه سوسیا لیسم بلکه سرما پیدا ری بوده است که اکنون رویزیونیستها برای مقابله با جنبش کارگری و برای فریب آنها به راه جوشی برآمده و در پی تغییر ترکیب تولیدی فعلی می باشند. حزب ورشکسته ستوده با تا شیدا قدامت فدا نقلایی طبقه کارگرم لهستان و هم صدا با بورژوا رویزیونیستی لهستانی و سوسیال امپریالیستها روسی، مبارزات طبقه کارگر لهستان را "خلالگری عناصر ضد سوسیا لیسم" (کدام سوسیا لیسم!) قلمداد میکنند. حزب توده دست در دست بورژوا رویزیونیستی لهستان و تمام رویزیونیستها ی خا شن همصدا با سوسیا ل امپریالیسم و امپریالیسم آمریکا برضد طبقه کارگر و برای سرکوب جنبش کارگری در لهستان برخاسته است.

سازمان جریکهای فدایی خلق (اکثریت): سکوت موزیانه

رویزیونیستها کمیته مرکزی سازمان جریکهای فدایی خلق (اکثریت) تا کنون در مورد اعتصابات کارگری لهستان و نتایج حاصله از آن سکوت اختیار کرده اند. طبیعی است که سکوت موزیانه این سازمان نمیتواند تمدت مدیدی ادامه یابد. رهبری فدائیسان (اکثریت) با لآخره در مقابل واقعیات مبارزه طبقاتی در لهستان تسلیم شده و به مبارزه طبقاتی موجود در این کشورا عتراف خوا هند کرد. هم اکنون بدنیا ل اعتصابات اخیر کارگران لهستان انبوهی از سوالات و ابهامات در مورد ما هیت حزب و دولت حاکم بر این کشور بر سر ای توده های هوادار این سازمان بوجود آمده است رهبری سازمان جریکها (اکثریت) زبر خود رویا روی بسا واقعیت موجود در لهستان می ترسد. آیا این واقعیت "اردوگا هوسیا لیستی" مورد دمای جریکها را در نبرد

توده ها زیر سوال نمی برد؟ آیا ما هیت بورژوا شیی کشورها شی نظیر لهستان وضدیت هیت حاکمه آن بسا طبقه کارگر را بر ملا نمی سازد؟ رهبری فدائیسان از پاسخ به این مسائل وحشت دارند و به همین خاطر سکوت کرده اند. اما آیا این سازمان می تواند از بسا صدها پرسش فرا رکند؟ بیخش و خط مشی رویزیونیستی حاکم بر این سازمان چاره ای جز موضع گیری در مقابل وقایع اخیر لهستان نخواهد داشت و آنچه که برای مسلمانان این است که هر هیران رویزیونیست سازمان جریکهای فدایی (اکثریت) موضع خود را بنفع بورژوازی لهستان و علیه کارگران مبارزان کشور بهرحال اعلام خواهند کرد. چرا که برای دنباله روان و مشاطه کارکن سوسیا ل امپریالیسم چاره ای جز آن وجود ندارد.



۴- مواضع نیروهای سیاسی دیگر در قبال جنبش کارگری لهستان

راه کارگر: یکی به نعل و یکی به میخ!

جنبش کارگری در لهستان علیه بورژوازی حاکم یکبار دیگر آن مکان را بوجود آورد تا کارائشبات رویزیونیستی رفقای "راه کارگر" بیان کردند. "راه کارگر" می نویسد:

"علت مستقیم و بلافاصله حوادث کنونی لهستان قبل از هر چیز وجود یک بوروکراسی قدرتمند است" (راه کارگر، شماره ۲۹)

این تحلیل، تحلیل همه تر و تسکین دهنده ای جهان می باشد و تسکین دهنده برای اعتقاد دیکه شوروی و کشورهای اروپای شرقی سوسیا لیستی می باشد لیکن در این کشورها بوروکراسی حاکم است. آنها بوروکراسی را بدیده ای مافوق طبقاتی و انمودا خسته برآوردند. علیرغم این حاکمیت شیوه تولیدی در این کشورها بسا کماکان سوسیا لیستی می باشد (۱۹).

رفقای راه کارگر نیز به سبب گرایشات رویزیونیستی خود عدم درک پرولتری از ما هیت بورژوا شیی رویزیونیسم معتقدند که این کشورها کشورهای "سوسیا لیستی" بوده و در مجموع "اردوگا هوسیا لیستی" را تشکیل میدهند؛ راه کارگری نویسد:

"این بوروکراسی نمی تواند خود را با منافع کارگران و نیازهای اساسی آنان هماهنگ کند" (همانجا)

سوال اینجاست که ما هیت طبقاتی این بوروکراسی چیست؟ این بوروکراسی در خدمت حفظ و تحکیم کدام مناسبات اجتماعی و کدام منافع طبقاتی قرار دارد؟ بنظر ما بوروکراسی حاکم ناشی از حاکمیت بورژوازی در این کشور وجودا بودن طبقه کارگر از ابزار و وسایل تولید می باشد، اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند، ما می گوئیم زمینها ساسی بحران همان حاکمیت رویزیونیسم بر حزب و دولت لهستان و استقرار سرما پیدا ری در این کشور است اما راه کارگر در این مورد سکوت میکند. راه کارگر در این مورد می نویسد: بحران کنونی "نتیجه عملکرد رویزیونیستی در تها دهای رهبری لهستان" می باشد، به بیان دیگر رهبری در ساس خود پرولتری است حزب و دولت در ساس خود کارگری است لیکن در نهادها "عملکرد رویزیونیستی" وجود دارد!

این رفقا به آرایش رویزیونیسمی پرداخته اند. آنان ما هیت رویزیونیستی حزب و دولت را تا سطح "عملکرد رویزیونیستی" تحلیل میدهند و بدین ترتیب

به مشاطه گری رویزیونیستها می پرداخته اند. آری این رفقا به سبب گرایشات رویزیونیستی خود تا توان از تحلیل بنیادی بحران در لهستان می باشند. و از گفتن اینکه این مبارزه، مبارزه بین طبقه کارگر و بورژوازی حاکم است وحشت دارند. این رفقا برپا بدروشن کنند که در این مبارزه از کدام طبقه علیه کدام طبقه دفاع می کنند. نمیتوان با یکی به نعل و یکی به میخ از بسا صریح و روشن به این پرسش ها طفره رفت.

اقلیت سازمان جریکهای فدایی خلق: سکوت

در جنبش کمونیستی میهن ما، نیروهای که علیرغم مرز بندی اگرچه نا روشن و مبهم در مقابل سیاستهای رویزیونیستی و ارتجاعی حزب توده، با سوسیا ل امپریالیسم و کشورهای رویزیونیستی اروپای شرقی مرز بندی ندارند در مورد اعتصابات اخیر کارگران لهستان سکوت کرده اند. سکوت این نیروها از جمله رفقای اقلیت سازمان جریکهای فدایی خلق ناشی از تنزلات رویزیونیستی و ناشی از آشفتگی و سردرگمی آنان در شناخت ما هیت ایدئولوژیک، سیاسی و طبقاتی رویزیونیسم و چگونگی استحاله احزاب کمونیستی و کارگری کشورهای شوروی و اروپای شرقی به احزاب بورژوا رویزیونیستی می باشد. مبارزات طبقه کارگر لهستان جلوه ای از وجود طبقات و مبارزه طبقاتی علیه بورژوازی در لهستان است. اعتصابات زحمتکشان این کشور نشان داد که حزب و دولت حاکم بر این کشور حزب و دولتی بورژوا شی و برضد طبقه کارگر و ستوده های زحمتکش اند. ما از این رفقا می پرسیم: انگیزه این اعتصابات چه بوده است؟ تغییر و تحولات درون حزب و دولت لهستان بر چه پایه مادی صورت گرفته است؟ اعتماد بورژوا رویزیونیستی حاکم از کلیسا و اسقفها چرا انجا گرفته است؟ صلا چه انگیزه ای کارگران را وادار کرده است که آنها در کشور "سوسیا لیستی" لهستان داشتن حق اعتصاب را در ساس خواسته های خود قرار دهند؟ و...؟ این رفقا ناگزیرند موضع خود را در برابر رویزیونیسم اعلام دارند. انترناسیونالیسم پرولتری حکم میکند که این رفقا نیز همبستگی و پشتیبانی خود را از مبارزه طبقه کارگر لهستان علیه بورژوازی حاکم اعلام نمایند.

رزمندگان: نه سیخ بسوزد نه کباب

رفقای "رزمندگان" موضع "نه سیخ بسوزد نه کباب" را در قبال جنبش طبقه کارگر در لهستان گرفته اند. آنها بدون آنکه از ما هیت بورژوا شی و سرما پیدا ری حزب و دولت حاکم در لهستان سخنی به میان آورند این دولت را دولت رویزیونیستی محسوب میکنند که بسا "سلب قدرت کارگران به حکومت رسیده است"

رفقای "رزمندگان" میگویند:

"در کشورهای نظیر شوروی و لهستان - که رویزیونیستها آنها را سوسیا لیست قلمداد میکنند - مدتهاست طبقه کارگر قدرت سیاسی خویش را از دست داده است اینگونه حکومتها چون کارگری نیستند، فدکا رکزند!" (ضمیمه رزمندگان شماره ۲۶)

سبب حمایت خود را از خواسته های کارگران اعلام میدارد.

این رفقا در کشورهای نظیر شوروی و لهستان فقط و بطور مجرد شکل ظاهری - و نه ما هیت طبقاتی - دولت را هدف قرار داده اند. و از همین زاویه از بسا سخ به این سوال که دولتها ی چنین کشوری بر پایه کدامین مناسبات اقتصادی - اجتماعی حاکم هستند، طفره

۱۷ شهریور: نقطه عطفی در انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی خلقهای ایران

سیاست را هم با خضوت چینی خودیکا برودنا گزیرند
ما سک فربیکاری لیبرال نماشی را خیلی زود از چهره
بردارد.

تظاهرات با مصاد ۱۷ شهریور میدان شهدا (میدان
ژاله سابق) با خضوت هرچه شما متریه خون کشیده شد و
هزاران نفره خاک افتادند. موقعیت انقلابی از همین
زمان شروع گشت: "نه رژیم میتوانست به حکومتش
ادامه دهد و نه مردم میتوانستند آن حکومت را تحمل
کنند". آنچه در ۱۷ شهریور وقوع بیست و یک روزیم
را با لسان نوبه میداد. یکبار دیگر معلوم شد که آنچه
ادامه حکومت سرما به داران و اربابان آمریکا نشان
را تعیین میکند سرکوب است. رژیم تئوتنیا با زبان گلوله
و توب مینوا اندیا شده ها سخن گوید. قتل عام صورت
گرفت و یکبار دیگر درسی بزرگ به توده های بیخاسته
داد: راهی جز مقا بله به مثل نیست، راهی جز گذشتن
از لوله تفنگ برای واژگونی رژیم وابسته به امپریا -
لیسم ها و کسب قدرت سیاسی وجود ندارد. نقطه قیام
توده های مسلحانه همین ماه در ۱۷ شهریور ستندند.
نقطه ای که رشد کرده، درس سازش پذیری آموخت و در
هر قدم آزمود.

اما این درس بزرگ که توده ها فرا گرفتند، بخاطر
توهماتش که نسبت به "رهبران جنبش" داشتند، بخاطر
آنکه جنبش از حزب انقلابی بیست زور رهبری کنسند
بلکه: "گرم مردم بود، بخاطر آنکه توده ها... سادی
کور نسبت به رهبران داشتند و آن تجربه عظیم، درس
کافی نتوانستند بگیرند.
فریادها و شعارهای "رهبران! ما را مسلح کنید"
که بطور خود بخودی و در نتیجه تجاری نظیر ۱۷ شهریور
از حقوق توده ها برمیخاست، پاسخ خود را از رهبران
سازگار، و از ونه می شنید. ها شمی رنجشانی که از
نزدیکترین افراد رهبری بودا اعتراف میکنند که در
برای بر شعار: "رهبران ما را مسلح کنید" از زبان رهبری
می گفته است: "حالا وقتش نیست!" و توده ها دست
خالی به سوی تانکها هجوم میبردند و در میزدند.
لیبرالها که با ما سک فرب برگردانده انقلاب خروغان خلق
سوار شده بودند و حرد بورژوا های مرفه سستی، راهی جز
مماشات و جان نردن و امتیا زگرفتن را امپریا لیسم
آمریکا و عملش ندانستند.

چنین بود که تلاش قهرمانان توده ها برای سادی
ارتجاع و سلطه امپریا لیسم و برپا نشی رژیم جمهوری
دمکراتیک خلق بخاطر آنکه از حزب انقلابی طبقه
کارگر محروم بودند، بخاطر آنکه رهبران بدست
متحدان بورژوازی بود، بشمر رسید، یک برده های
توهم آنان یکی بسا زدیگری کنار مسرود و دستریج
می فهمند که گستاخهای عام دیگری در دوران جمهوری
اسلامی نیز در کردستان و ترکمن صحرا و در اینجا و آنجا
بشروع می پیوندند و با رهجا راهی جز میسودن راه
انقلاب ولی این با رحما تحت رهبری طبقه ای. سابه
آخرا انقلابی - طبقه کارگر نیست. خون شهیدان ۱۷
شهریور ما را همان بدادند بگمرا نه انقلاب فراموشاند

از مبارزات زحمتکشان در خارج محدوده تهرآن
(سال ۵۶) که آنرا با بدسرتا از اعلا نویسن انقلابی
توده های ستمدیده و میلیونی مردم دانست. رژیم شاه
میکوشید از طریق وعده و وعید، دادن برخی امتیازات
جزئی و بازگذاشتن راه جلوی لیبرالها، جلوی انفجار
را بگیرد اما انقلاب روی غلطک افتاد بود و رژیم هر
کاری میکرد چه اعمال خضوت، چه سیاست "ترسش"
موردا ستفاده توده ها فرا می گرفت و جنبش یک قسم
بزرگ به پیش بر میداشت. سقوط دولت آموزگار و روبر
بلاکرین آن، سخنان مریخ سران رژیم را شتابات و
نارسانشی ها، "خیمه شبازی با صلاح شما بندگهان
مجلس، سرداشتن سانسرا از مطبوعات، افزایش حقوق
کارمندان و... هیچیک تشکی توده های ستمدیده را
برای رسیدن به بیروزی (که در درجه اول تمام حملات
را متوجه واژگونی رژیم سلطنت و محولطه امپریالیستی
میکرد) فرو نمی نشاند.

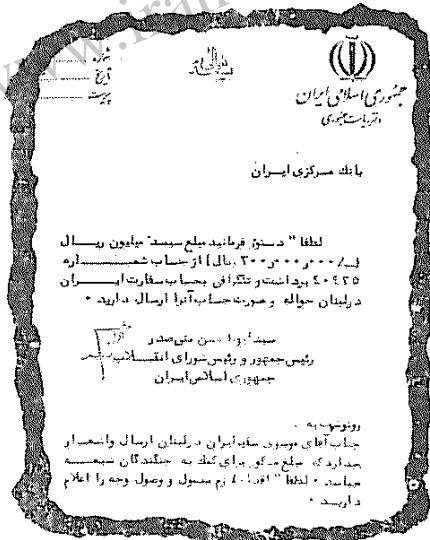
رژیم شاه که آن زمان مرگ خود را با سرکوب
بیشتر و کمکی گوناگون از امپریا لیسم آمریکا به
تا حیرانداخته بود دیگر به نقطه بن بست میرسید.
یکبار دیگر سرکوب دستجمعی در دستور روز ترا گرفت
میکوبیند: "آخرین دوا، داغ کردن است" رژیم ایسن

قابل توجه کلیه رفقای سازمانی و هواداران



رفقا، دوستان، زنان آگاه و انقلابی!
زنان زحمتکش میهن ما با مشارکت فعال خود در
مبارزات توده ای سالهای اخیر، حرکت نویسن را برای
شرکت فعال خود در مبارزه طبقاتی بنما بین گذاشتند،
آنها چه در جنبش خانه سازی در خارج محدوده و چه بعد از
آن در تظاهرات بزرگ و خونین دوران سابه رژیم شاه
و چه در قیام پرشکوه بهمن ماه و چه بسا از آن نشان
دادند که دوش بدوش مردان آگاه و هرگونه فداکاری اند
این حرکات نشانهای از ظرفیت و قابلیت توده های
زحمتکش و آگاه زنان برای شرکت فعال در مبارزه
طبقه ای است. ظرفیت و قابلیت که میبایست از
جانب کمونیستها تقویت شده و در راه رسیدن به آرمان -
های طبقه کارگر و بیروزی انقلاب دمکراتیک وضند
امپریالیستی خلق یکبار زگرفته شود.
برای منظور فوق و برای شناخت همه جانبه از
بقیه در صفحه ۴

۳۰ میلیون نودمان برای امل، برای فلسطین هبچ



با رها گفته ام رژیم جمهوری اسلامی ایران خواستار
کمک به انقلابیون فلسطینی نیست و غیرنما دعاهای
گوشتراش و سوء استفاده از نام فلسطین جهت مترقی
و انقلابی نشان دادن خود، کمکی به خلق فلسطین نمی
کند، با رها طبق اسناد غیرقابل انکار نشان داده
ایم که رژیم جمهوری اسلامی هم مانند دیگر رژیمهای
ارتجاعی منطقه میکوشد از "مخلوق فلسطین برای
خودکلاهی بدوزد". این را نیز افشا کرده ایم که تبدیل
نام "اسرائیل دشمن صهیونیستی و اشغالگر فلسطین"
به "رژیم اشغالگر قدس" و تکرار لفظ خلق مسلمان فلسطین، هدفی
جز تفرقه افکنی و ضربه زدن به خلق فلسطین ندارد، چرا
که خلق فلسطین از مسلمانان، مسیحیان و یهودیسان
تشکیل میشود. رژیم جمهوری اسلامی میخواهد "انقلاب
خود را با بنچین به فلسطین" ما در کند.
در مقابل افشاگرانه ای که بمناسبت "روز قدس"
منتشر کردیم (پیکار ۶۷) سندی چاپ نمودیم که براساس
آن دولت ایران از "اسرائیل" سلاح خریداری میکند
و مکرر آ گفته ایم که بجای کمک به خلق قهرمان فلسطین
رژیم جمهوری اسلامی بولی را که از جیب مردم ما می
گیرد بر خلاف میل آنها به کیه سا زمان ارتجاعی "امل"
سرا زیر میکند تا این سا زمان به پیشرفت و اند علیسه
انقلابیون فلسطینی در بیروت و میدا و صور و شهرهای
دیگر لبنان بچنگد. سا زمان امل از شرکت با رتی هائی
مثل چمران در ایران دفتر و یگا ه آموزشی و حتی
امکانات پلیسی و جاسوسی دارد و در راه دیپوتلوژیون
و مطبوعات ایران به تبلیغات دروغین از خود و شایعه

گرامی باد یاد شهدای جمعه سیاه